IlamUniversity

Journal of Entrepreneurship Research
http://jer.ilam.ac.ir
Online ISSN: 2980-857X

A Qualitative Assessment of the Entrepreneurial Ecosystem at the Mehran Border Terminal: A Phenomenological Study

Homayoon Moradnezhadi[1]✉| Hossein Mehdizadeh[2]| Heshmatolah Asgari[3]| Marjan Vahedi[4]

1. Corresponding Author, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. Email: h.moradnezhadi@ilam.ac.ir
2. Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. Email: h.mahdizadeh@ilam.ac.ir
3. Department of Economy, Faculty of Economy, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Email: heshmatolah.asgary@atu.ac.ir
4. Department of Agricultural extension and education, IL.C, Islamic Azad University, Ilam, Iran. Email: ma.vahedi@iau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
01. 02. 2026
Revised:
15. 02. 2026
Accepted:
23. 02. 2026

Keywords:
Entrepreneurial Ecosystem,
Mehran Border Terminal,
Border Regions,
Phenomenology,
Regional Development.

ABSTRACT

Introduction: Border regions play a vital role in foreign trade and foreign exchange generation, holding particular significance for regional and national economic prosperity. By linking the economies of neighboring countries and providing livelihoods for local households, these regions facilitate international economic and social interactions as well as sustainable welfare and security. Borders, once regarded as obstacles, have now been transformed into economic opportunities through globalization. Border markets, as an effective strategy, not only facilitate exports but also contribute to job creation and income growth. The sustainable development of these regions requires attention to security, political, economic, social, and cultural dimensions. Entrepreneurship, as a driver of economic growth, demands a supportive environment-an environment that the "entrepreneurial ecosystem" approach defines as a dynamic constellation of actors, institutions, policies, and markets. Given the trade potential of Ilam Province and the Mehran international border, alongside the challenges of unemployment and deprivation, a deep understanding of the current state of the entrepreneurial ecosystem at this border terminal is essential. Accordingly, this study, employing a phenomenological method, aims to qualitatively evaluate this ecosystem from the stakeholders' perspective in order to identify its dimensions, challenges, and opportunities, thereby providing a basis for informed policymaking.

Methodology: This research was conducted using a qualitative approach with an applied purpose, employing a descriptive-analytical design. Data were collected through semi-structured interviews and focus group discussions with 13 experts and economic actors at the Mehran border terminal. Purposive sampling was initially employed, followed by network and theoretical sampling until theoretical saturation was reached. Data analysis involved open, axial, and selective coding. The trustworthiness of the findings was ensured through member checking, multi-researcher involvement, self-reflexivity, and the provision of thick descriptions of the research process. These strategies contributed to the credibility, confirmability, and transferability of the results.

Findings: The entrepreneurial ecosystem of the Mehran border terminal faces significant challenges in work culture, institutional synergy, physical and digital infrastructure, and governance. Furthermore, human and financial capital suffer from deficiencies in training, access to financial resources, and competitiveness. Innovation, in both economic and institutional dimensions, has also been neglected, and security remains a persistent concern. Despite geographical and human potential, overcoming these structural, cultural, and economic obstacles requires fundamental reforms in governance, targeted investment, and the establishment of robust linkages between innovation, capital, and academic institutions in order to transform Mehran into a border entrepreneurship hub.

Conclusion / Implications: This phenomenological study has examined the entrepreneurial ecosystem of the Mehran border terminal across eight core categories, characterizing it as a complex and multidimensional phenomenon that demands simultaneous attention to institutional, cultural, infrastructural, human, financial, innovative, and security-related aspects. The findings highlight the decisive impact of work and hospitality culture, severe weakness in institutional synergy, deficiencies in physical and digital infrastructure, unstable and security-oriented governance, shortcomings in human capital training and job security, difficult access to financial capital, and the confinement of innovation primarily to the discursive level. This research underscores that sustainable border development necessitates strengthening security, reforming governance, developing smart infrastructure, empowering human capital, and institutionalizing innovation through the interaction of economic actors.

Cite this article:
Moradnezhadi, H., Mehdizadeh, H., Asgari, H., & Vahedi, M. (2026). A Qualitative Assessment of the Entrepreneurial Ecosystem at the Mehran Border Terminal: A Phenomenological Study. *Journal of Entrepreneurship Research*, 5 (1), 69-94.
DOI: https://doi.org/10.22034/jer.2026.2087432.1408

© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

مجله پژوهش‌های کارآفرینی
http://jer.ilam.ac.ir
شاپا الکترونیکی: 2980-857X

ارزیابی کیفی وضعیت زیست‌بوم کارآفرینانه در پایانه مرزی مهران: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

همایون مرادنژادی[1]✉ | حسین مهدی‌زاده[2] | حشمت‌اله عسگری[3] | مرجان واحدی[4]

۱. نویسنده مسئول، گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: h.moradnezhadi@ilam.ac.ir
۲. گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: h.mahdizadeh@ilam.ac.ir
۳. گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: heshmatolah.asgary@atu.ac.ir
۴. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: ma.vahedi@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقالهٔ علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۱۱/۱۲
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۱۱/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۱۲/۰۴

کلیدواژه‌ها:
زیست‌بوم کارآفرینانه، پایانه مرزی مهران، مناطق مرزی، پدیدارشناسی، توسعه منطقه‌ای.

چکیده

مقدمه: مناطق مرزی به دلیل نقش حیاتی در تجارت خارجی و ارزآوری، برای شکوفایی اقتصادی منطقه‌ای و ملی اهمیت ویژه‌ای دارند. این مناطق با پیوند اقتصاد کشورهای همسایه و تأمین معیشت خانوارهای محلی، زمینه‌ساز تعاملات اقتصادی، رفاه و امنیت پایدار می‌شوند. مرزها که زمانی مانع بودند، امروزه با جهانی‌شدن به فرصت‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند. توسعه پایدار این مناطق نیازمند توجه به ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. کارآفرینی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، به محیطی حمایتی نیاز دارد و رویکرد «اکوسیستم کارآفرینی» این محیط را مجموعه‌ای پویا از بازیگران، نهادها، سیاست‌ها و بازارها تعریف می‌کند. با توجه به ظرفیت‌های استان ایلام و مرز مهران در تجارت و نیز چالش‌های بیکاری و محرومیت، درک وضعیت کنونی اکوسیستم کارآفرینی این پایانه ضروری است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر با روش پدیدارشناسی به ارزیابی کیفی زیست‌بوم مهران از منظر ذی‌نفعان می‌پردازد تا مبنایی برای سیاست‌گذاری آگاهانه فراهم آورد.

روش‌شناسی: این پژوهش با رویکرد کیفی و هدف کاربردی، به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و گروه‌های بحث متمرکز با ۱۳ نفر از خبرگان و فعالان اقتصادی پایانه مرزی مهران جمع‌آوری گردید. نمونه‌گیری ابتدا هدفمند بود و سپس با روش‌های شبکه‌ای و نظری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود. اعتبار یافته‌ها از طریق بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، مشارکت چند پژوهشگر، خودبازبینی و ارائه توصیفات دقیق از تحقیق تضمین شد. این روش‌ها به اعتبارسنجی، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری نتایج کمک کرده‌اند.

یافته‌ها: زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران با چالش‌های جدی در فرهنگ کار، هم‌افزایی نهادی، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال و حکمرانی مواجه است. همچنین، سرمایه‌های انسانی و مالی از کمبودهایی در آموزش، دسترسی به منابع مالی و رقابت‌پذیری رنج می‌برند. نوآوری در ابعاد اقتصادی و نهادی نیز مغفول مانده و امنیت به‌عنوان دغدغه‌ای مداوم مطرح است. با وجود پتانسیل‌های جغرافیایی و انسانی، غلبه بر این موانع ساختاری، فرهنگی و اقتصادی مستلزم اصلاحات اساسی در حکمرانی، سرمایه‌گذاری هدفمند و ایجاد پیوند قوی میان نوآوری، سرمایه و نهادهای علمی برای تبدیل مهران به قطب کارآفرینی مرزی است.

نتیجه‌گیری/ دستاوردها: این پژوهش پدیدارشناختی، زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران را در هشت مقولهٔ اصلی بررسی کرده و آن را پدیده‌ای پیچیده و چندبُعدی معرفی می‌کند که نیازمند توجه همزمان به تمامی ابعاد نهادی، فرهنگی، زیرساختی، انسانی، مالی، نوآورانه و امنیتی است. یافته‌ها نشان‌دهندهٔ تأثیر تعیین‌کنندهٔ فرهنگ کار و میزبانی، ضعف شدید هم‌افزایی نهادی، کمبودهای زیرساختی فیزیکی و دیجیتال، حکمرانی ناپایدار و امنیتی-محور، ضعف آموزش و امنیت شغلی نیروی انسانی، دسترسی دشوار به سرمایهٔ مالی و نوآوری در سطح گفتمان است. این پژوهش تأکید دارد که توسعهٔ پایدار مرزی مستلزم تقویت امنیت، اصلاح حکمرانی، توسعهٔ زیرساخت‌های هوشمند، توانمندسازی نیروی انسانی و نهادینه‌سازی نوآوری در تعامل فعالان اقتصادی است.

استناد: مرادنژادی، همایون.، مهدی‌زاده، حسین.، عسگری، حشمت‌اله. و واحدی، مرجان. (۱۴۰۵). ارزیابی کیفی وضعیت زیست‌بوم کارآفرینانه در پایانه مرزی مهران: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۵ (۱)، ۹۴- ۶۹.
DOI: https://doi.org/10.22034/jer.2026.2087432.1408
ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.

مقدمه

مناطق مرزی از حیث تجارت خارجی و ارزآوری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند و توسعه این مناطق موجب شکوفایی اقتصادی منطقه و کشور نیز می‌گردد (Ghadimi et al., 2023). اقتصاد نواحی مرزی نقشی کلیدی در پیوند میان کشورهای همسایه و معیشت خانوارهای ساکن این مناطق ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان شاخصی اساسی در سنجش سطح تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی تلقی شود. همگرایی و همسویی کشورهای هم‌مرز از طریق توسعه روابط چندجانبه، دستیابی به رشد اقتصادی، رفاه، امنیت و توسعه پایدار سرزمینی را تسهیل می‌نماید و موجب احیای اقتصاد منطقه‌ای، بهره‌برداری مؤثر از منابع و شکل‌گیری مزیت‌های رقابتی می‌شود (Hazuda et al., 2016). در این چارچوب، مفهوم پایداری و به‌ویژه «امنیت پایدار» مبتنی بر نگاهی جامع به عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی است که در تعامل با یکدیگر و متناسب با ویژگی‌های زمانی و مکانی هر منطقه معنا می‌یابند. امنیت مرزی همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها بوده است و توسعه اقتصادی پایدار در این مناطق به‌عنوان عاملی اساسی در تقویت امنیت پایدار تلقی می‌شود (Safari Sufiani, 2024). در گذشته، مناطق مرزی اغلب به‌دلیل ضعف زیرساخت‌ها، محرومیت اقتصادی و انزوای جغرافیایی، از سطح توسعه پایینی برخوردار بودند؛ اما با گسترش جهانی‌شدن، تحولات نظام بین‌الملل و تغییر نگرش‌های ژئواستراتژیک، مرزها از مانعی برای توسعه به فرصتی اقتصادی تبدیل شده‌اند. این تحول موجب افزایش جمعیت، رونق فعالیت‌های اقتصادی و بازتعریف رابطه مرکز و پیرامون شده است (Pena, 2005). مرزها در طول زمان کارکردهای متنوعی به خود گرفته‌اند و این کارکردها بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و مدیریتی می‌توانند تقویت، تضعیف یا دگرگون شوند (Mohammadi et al., 2022). در این میان، بازارچه‌های مرزی به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر توسعه اقتصادی مناطق مرزی، علاوه بر تسهیل صادرات غیرنفتی، نقش قابل‌توجهی در اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم، افزایش درآمد و جلوگیری از تخلیه سکونتگاه‌های مرزی ایفا می‌کنند (Akbarpour et al., 2019; Bayat et al., 2016). بازارچه‌های مرزی با حرکت از الگوی «مرزهای بسته» به سمت «مرزهای باز» و فرصت‌محور، می‌توانند به فضاهایی کارکردی برای تبادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرامرزی تبدیل شوند (Moraczewska, 2010; Laine, 2006). این تحول آثار فضایی و کالبدی گسترده‌ای از جمله توسعه حمل‌ونقل، رونق سکونتگاه‌های شهری و روستایی، بهبود زیرساخت‌ها، افزایش خدمات عمومی و تغییر الگوهای جمعیتی به همراه دارد. مرزها بسته به نحوه تعریف و مدیریت، می‌توانند یا مانعی در برابر توسعه باشند یا پلی ارتباطی برای پیوند اقتصادی و اجتماعی دو سوی مرز ایجاد کنند. آمایش سرزمین و سازمان‌دهی فضایی مناطق مرزی با هدف بهره‌برداری بهینه از مزیت‌های نسبی این مناطق، از الزامات توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است (Seddigh et al., 2016). توسعه همگن و سازمان فضایی مناسب می‌تواند به کاهش فقر، تنش و ناپایداری در مناطق مرزی کمک کند (Perkmann, 2003). از همین رو، در دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک به مناطق مرزی و نقش آن‌ها در همگرایی اقتصادی کشورها افزایش یافته است (Niebuhr & Stiller, 2002).

توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی در مناطق مرزی دارای ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی است. بنابراین، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید نگاهی جامع و چندبُعدی به این موضوع داشته باشند (Omidi, 2024). توسعه اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست و یکی از دلایل اصلی توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، ضعف سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارها و فعالیت‌های کارآفرینانه است (Rostamalizadeh & Hosseini, 2019). کارآفرینی به‌عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی، اشتغال و بهره‌وری شناخته می‌شود (Khattab & Almagli, 2017; Alvedalen & Boschma, 2017). برای تقویت کارآفرینی، صرفاً توانمندی‌های فردی کارآفرینان کافی نیست. بلکه وجود یک محیط نهادی، قانونی و حمایتی مناسب ضروری است (Nylund and Cohen, 2017; De Vita et al., 2014). از این رو، رویکرد «اکوسیستم کارآفرینی» به‌عنوان چارچوبی نوین برای تحلیل و توسعه کارآفرینی مطرح شده است (Stam, 2015; Yahya. Al-Abri et

al., 2018). مفهوم اکوسیستم کسب‌وکار نخستین بار توسط مور (Moore, 1993) مطرح شد و بعدها توسعه یافت (Spigel, 2017; Moore, 1996). اکوسیستم کارآفرینی بر این اصل استوار است که فعالیت‌های کارآفرینانه به‌صورت ایزوله شکل نمی‌گیرند. این فعالیت‌ها نیازمند فراهم بودن مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی هستند (Isenberg, 2011). در میان مدل‌های مختلف، مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ به دلیل جامعیت و انطباق با شرایط متنوع کسب‌وکارها، کاربرد گسترده‌ای در پژوهش‌ها یافته است. این مدل مبنای نظری پژوهش حاضر نیز قرار گرفته است (Stam, 2015; Folke et al., 2005). پژوهش‌ها نشان می‌دهد وجود یک اکوسیستم بومی کارآفرینی می‌تواند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی مناطق ایفا کند (Meigounpoory et al., 2019; Isenberg, 2011). از آنجا که هر منطقه دارای ویژگی‌های بوم‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی منحصربه‌فرد است، شناخت وضعیت واقعی و عینی اکوسیستم کارآفرینی در هر منطقه ضروری است. این شناخت پیش‌شرط هرگونه سیاست‌گذاری و مداخله توسعه‌ای محسوب می‌شود (Barati et al., 2017; Hettne, 2013). مطالعات تجربی نیز نشان داده‌اند که بهبود فضای کسب‌وکار تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی و اشتغال دارد (Estevão et al., 2020; Zarenejad & Zaroki, 2023). در ایران، روند توسعه اکوسیستم کارآفرینی به کندی پیش رفته و بومی‌سازی این رویکرد می‌تواند ابزار مهمی برای سیاست‌گذاران باشد (Davari et al., 2017). توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین و دستیابی به توسعه پایدار ناحیه‌ای منجر شود (Saghafi, 2017; Mohammadi & Fakhr Fatimi, 2005). در این میان، کشور عراق به‌عنوان همسایه غربی ایران و یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری، ظرفیت بالایی برای توسعه مبادلات اقتصادی دارد (Sagheb et al., 2023). استان ایلام با وجود برخورداری از مرز طولانی با عراق و مزیت‌های نسبی متعدد، از نرخ بالای بیکاری و محرومیت اقتصادی رنج می‌برد (Sajadian & Ekrami, 2018). مرز بین‌المللی مهران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های زمینی کشور، نقش قابل‌توجهی در تجارت، صادرات، واردات و گردشگری مذهبی ایفا می‌کند. این مرز ظرفیت بالایی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دارد (Farazmand et al., 2019). وجود ظرفیت‌های قابل‌توجه برای توسعه کارآفرینی، در کنار نرخ بالای بیکاری و محرومیت اقتصادی در استان ایلام، نشان می‌دهد که وضعیت کنونی زیست‌بوم کارآفرینانه پایانه مرزی مهران با چالش‌ها و کاستی‌های متعددی مواجه است. چالش‌هایی که شناسایی دقیق آن‌ها مستلزم واکاوی عمیق و مبتنی بر تجربه زیسته کنشگران اصلی این حوزه است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون مطالعه‌ای که به‌صورت جامع به تبیین وضعیت موجود زیست‌بوم کارآفرینانه پایانه مرزی مهران بپردازد، انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفی وضعیت کنونی زیست‌بوم کارآفرینانه پایانه مرزی مهران از منظر ذی‌نفعان و فعالان این حوزه انجام شده است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی، ابعاد مختلف این زیست‌بوم را ارزیابی می‌کند. هدف نهایی، ارائه پیشنهادهای مناسب برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در آینده است.

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

اکوسیستم کارآفرینی به‌عنوان الگویی برای رشد کارآفرینان، با شناسایی شاخص‌ها و عناصر کلیدی، به کشف فرصت‌ها و تهدیدها پرداخته و بستری مناسب برای شکوفایی فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌آورد (Davari et al., 2017). این پارادایم، به‌ویژه برای طراحی سیاست‌های کارآفرینی در کسب‌وکارهای نوآور و فناوری‌محور، اهمیت یافته است (Ghambarali et al., 2015). مفهوم اکوسیستم که توسط جیمز مور در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (Mason and Brown, 2014)، به دلیل تأکید بر اهمیت محیط و روابط در موفقیت کسب‌وکارهای نوپا، مورد توجه قرار گرفت. این اکوسیستم شامل عناصر، افراد، سازمان‌ها و مؤسساتی است که فراتر از فرد کارآفرین عمل کرده و بر تصمیمات او برای کارآفرین شدن یا موفقیت کسب‌وکارش تأثیر می‌گذارند (Isenberg, 2011, 2010). دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی نیز اهمیت این اکوسیستم را در موفقیت پروژه‌های جدید تأیید کرده‌اند (Fernández et al., 2015). ماهیت اکوسیستم کارآفرینی، نتیجه تعامل میان مردم، نقش‌ها، سازمان‌ها، زیرساخت‌ها و رویدادهاست که محیطی پویا برای فعالیت‌های کارآفرینانه ایجاد می‌کند. مؤلفه‌های کلیدی آن شامل دسترسی به

سرمایه، آموزش، برنامه‌های حمایتی دولتی، تحقیق و توسعه، سیاست‌های تجاری و قانونی، و سهولت در ورود به کسب‌وکار است که از طریق حمایت‌های اخلاقی، مالی، تکنولوژیکی، بازاریابی، اجتماعی، شبکه‌ای، دولتی و محیطی، به ایجاد و توسعه کارآفرینی یاری می‌رسانند (Regele and Neck, 2012; Suresh and Ramraj, 2012). در این میان، همکاری میان بخش خصوصی، دولتی و دانشگاه‌ها به‌عنوان «مثلث طلایی» بسترسازی کارآفرینی، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. این بازیگران با ارائه خدمات نوآورانه و مشارکت در رشد کسب‌وکارها، به پویایی محیط کارآفرینانه کمک می‌کنند (Fernández et al., 2015) و دولت به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر، از طریق تدوین اسناد توسعه کارآفرینی، ایجاد مراکز حمایتی، اصلاح قوانین، تقویت پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد، توسعه آموزش کارآفرینی، حمایت‌های مالی و مالیاتی، و تسهیل فرآیندهای اداری، نقش مؤثری در این اکوسیستم دارد (Kordnaeej et al., 2014; Fuerlinger et al., 2015).

با نگاهی به مناطق مرزی در جغرافیای سیاسی نوین، این مناطق نه تنها مرزهای کشورها، بلکه به‌عنوان پل‌های ارتباطی و بسترهای مهم تعامل اقتصادی مطرح هستند. توسعه این نواحی، در تثبیت جمعیت، افزایش درآمد و تقویت امنیت پایدار نقش اساسی دارد و می‌تواند مانع مهاجرت شده و به رونق تولید و اشتغال کمک کند (Saghafi, 2017). اداره این مناطق نیازمند هماهنگی نهادی میان سازمان‌های گوناگون و اتخاذ رویکردی یکپارچه است تا از دوباره‌کاری جلوگیری شده و ظرفیت‌های بومی به کار گرفته شوند (Janparvar, 2017). همچنین، بازارچه‌های مرزی با قانونمند کردن تجارت، کاهش قاچاق و افزایش فرصت‌های شغلی، به بهبود معیشت مرزنشینان کمک می‌کنند (Farazmand et al., 2019). در چنین بستری، کارآفرینی به‌عنوان موتور محرکه نوآوری و عامل اصلی رشد اقتصادی تلقی می‌شود (Khattab & Almagli, 2017; Alvedalen & Boschma, 2017). کارآفرینان با شناسایی فرصت‌ها، خلق ثروت و اشتغال، به رقابت‌پذیری منطقه کمک می‌کنند، هرچند میزان این تأثیر به سطح توسعه‌یافتگی و نوع انگیزه‌های کارآفرینانه (فرصت‌محور یا ضرورت‌محور) بستگی دارد (Sautet, 2013). در این راستا، مفهوم زیست‌بوم کارآفرینی چارچوبی تحلیلی است که مجموعه‌ای از عوامل و کنشگران متقابل در یک منطقه جغرافیایی را در بر می‌گیرد (Isenberg, 2011). این زیست‌بوم شامل نهادهایی مانند دانشگاه‌ها، دولت، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان است که در شبکه‌ای پویا برای تقویت نوآوری، رشد و توسعه اقتصادی همکاری می‌کنند (Autio et al., 2014). در ایران، زیست‌بوم کارآفرینی مناطق مرزی باید علاوه بر بعد اقتصادی، به تقویت امنیت اجتماعی و پایداری منطقه‌ای نیز بپردازد (Entezari, 2018). موفقیت این سیستم به هماهنگی ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاستی محلی وابسته است و هر منطقه باید الگوی بومی خود را بر اساس ویژگی‌های خاص محیطی و اجتماعی بنا نهد (Barati et al., 2017).

در بخش بررسی پیشینه پژوهش، تلاش شده است جامع‌ترین، مهم‌ترین و مرتبط‌ترین پژوهش‌ها شناسایی و مرور شوند؛ مطالعاتی که از نظر موضوعی، مفهومی و جهت‌گیری پژوهشی بیشترین قرابت را با مسئله مورد مطالعه داشته و می‌توانند مبنای نظری مناسبی برای تبیین و تحلیل ابعاد مختلف پژوهش فراهم کنند. در این راستا، شهرکی و همکاران (Shahraki et al., 2023) در پژوهشی با عنوان ارزیابی جایگاه مرز در پایداری اقتصادی مناطق مرزی در قلمرو کوچ‌نشینان (مورد مطالعه: شهرستان‌های زهک، هیرمند و نیمروز) به این نتیجه رسیدند که پایداری اقتصادی هر سه شهرستان مورد مطالعه در سطح نیمه پایدار قرار دارند. رفیعیان و شیخ ویسی (Rafiean & Sheikhveisi, 2023) در پژوهشی با عنوان تحلیل و شناسایی پیشران‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه مناطق مرزی با رویکرد آینده‌پژوهی (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان) به این نتیجه رسیدند که امنیت سرمایه‌گذاری مرزی، تحریم، شیوه مدیریت، نقش نیروهای دانشگاهی در توسعه مرزها، وجود شبکه ریلی در دو سوی مرز، سطح سواد، مبارزه با قاچاق کالا و انسان و نیروی انسانی بومی، پیشران‌های دارای بالاترین میزان تأثیرگذاری در توسعه مناطق مرزی هستند که باید در برنامه‌های توسعه استانی مورد توجه قرار گیرند. امیدی (Omidi, 2022) در پژوهشی با عنوان موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با رویکرد اجتماعی و اقتصادی (مورد مطالعه: شهرستان‌های مهران و دهلران در استان ایلام) به این نتیجه رسید که عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در

مناطق مرزی می‌باشند. محمدی (Mohammadi, 2022) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی در عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای پیرامون مرز باشماق (مورد مطالعه: روستاهای مرزی شهرستان مریوان) به این نتیجه رسید که عامل مکان‌گزینی نامناسب دارای بیشترین تأثیر مستقیم، عامل نارسایی‌های مدیریتی دارای بیشترین تأثیر غیرمستقیم و در مجموع نیز عامل نارسایی‌های مدیریتی بیشترین تأثیر را بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌ها دارند. حیدری و همکاران (Heidari et al., 2020) پژوهشی با عنوان طراحی مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی (مورد مطالعه: استان کردستان) به انجام رساندند. نتایج نشان داد که زیست‌بوم کارآفرینی در استان کردستان دربرگیرندۀ ۷ متغیر سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی، سیاست، بازار، سرمایه انسانی، حمایت و فرهنگ می‌باشد. رشیدی و آذر (Rashidi & Azar, 2019) در پژوهشی با عنوان تأثیر بازارچه مرزی چیلات بر بهبود وضعیت منطقه دهلران نتیجه گرفتند که بازارچه مرزی چیلات بر بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی–فرهنگی و سیاسی منطقه دهلران تأثیر مثبت دارد. از این‌رو، توسعه بازارچه چیلات و تسریع در بازگشایی آن می‌تواند باعث بهبود وضعیت منطقه دهلران گردد. آجرلو و همکاران (Ajarloo et al., 2018) در پژوهشی با عنوان تأثیر بازارچه مرزی مهران بر توسعه اقتصادی استان ایلام به این نتیجه رسیدند که بین ایجاد بازارچه مرزی مهران در استان ایلام و اثرات اقتصادی ایجادشده آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

در سطح بین‌المللی، یوان و همکاران (Yuan et al., 2021) در پژوهش خود با عنوان مؤلفه‌های اصلی زیست‌بوم کارآفرینی در اقتصاد در حال توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های اکوسیستم‌های کارآفرینی عبارتند از: مردم، فناوری، سرمایه و زیرساخت‌ها. سانتا آنا و جلیفسکی (Sant'Anna & Jelihovschi, 2021) در پژوهش خود با عنوان فضا، پویایی زیست‌بوم‌های کارآفرینانه و تعاملات زیست‌محیطی به این نتیجه رسیده‌اند که در زیست‌بوم‌های کارآفرینانه، فضا سرمایه‌ای مهم و باارزش است و موجب نشاط و پویایی زیست‌بوم می‌گردد. لوکس و همکاران (Lux et al., 2020) در پژوهش خود با عنوان بازگرداندن کارآفرین به زیست‌بوم‌های کارآفرینی به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه روانی، سرمایه اجتماعی و آموزش کارآفرینی صاحبان مشاغل مستقیماً بر عملکرد شرکت فردی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اوستیگارد و مارینوا (Ostergaard & Marinova, 2018) در پژوهش خود با عنوان سرمایه انسانی در زیست‌بوم کارآفرینی بیان کردند که ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی عبارتند از: سیاست، بازار، امور مالی، فرهنگ، حمایت‌ها و سرمایه انسانی و در بین این ابعاد، سرمایه انسانی مهم‌ترین مؤلفه است. ناراوف و همکاران (Nazarov et al., 2015) در مطالعه خود بیان داشتند که اکوسیستم‌های کارآفرینی از کشوری به کشور دیگر و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر در داخل یک کشور نیز متفاوت هستند و این تفاوت‌ها را فرهنگ، نهادها و سیستم‌هایی که آن‌ها را ایجاد می‌کنند، شکل می‌دهند. موتویاما و اتکینز (Motoyama & Watkins, 2014) در پژوهش خود هفت عامل اصلی را در شکل‌گیری یک اکوسیستم کارآفرینی موفق شناسایی کرده‌اند. این عوامل شامل شبکه رسمی، شبکه غیررسمی، دانشگاه، دولت، حمایت، خدمات مالی و استعدادهای موجود می‌باشند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده درباره مناطق مرزی عمدتاً بر دو محور اصلی متمرکز بوده‌اند: نخست، بررسی وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی و عوامل مؤثر بر آن، و دوم، شناسایی مؤلفه‌ها و سازوکارهای شکل‌دهنده زیست‌بوم‌های کارآفرینانه. پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر نقش بازارچه‌ها، مدیریت مرزی، موانع اجتماعی و فرهنگی، سرمایه اجتماعی و زیرساخت‌های اقتصادی تأکید داشته‌اند و نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که پایداری اقتصادی و توسعه‌پذیری مناطق مرزی به‌شدت متأثر از کیفیت مدیریت، مکان‌گزینی، ساختارهای نهادی و سطح سرمایه انسانی و اجتماعی است. در مقابل، پژوهش‌های خارجی با رویکردی مفهومی‌تر، اکوسیستم کارآفرینی را متشکل از مؤلفه‌هایی چون سرمایه انسانی، سرمایه روانی، شبکه‌ها، فضا، فناوری، سیاست، امور مالی و فرهنگ معرفی می‌کنند و بر اهمیت پویایی فضا و تفاوت‌های نهادی میان مناطق تأکید دارند. همگرایی این دو دسته مطالعات نشان می‌دهد که زیست‌بوم‌های کارآفرینانه در مناطق مرزی، ساختارهایی چندبعدی و وابسته به شرایط مکانی، فرهنگی و نهادی هستند. بنابراین، تحلیل کیفی وضعیت زیست‌بوم کارآفرینانۀ پایانه مرزی

مهران مستلزم توجه هم‌زمان به ویژگی‌های بومی منطقه و مدل‌های مفهومی گسترده‌تر اکوسیستم‌های کارآفرینی است، زیرا تنها از این طریق می‌توان شکاف‌ها، ظرفیت‌ها و عوامل اثرگذار بر پویایی کارآفرینانهٔ این مرز را به شکل واقع‌بینانه ارزیابی کرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفی وضعیت کنونی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران انجام شد. نظر به اینکه ارزیابی کیفی ابعاد زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی نیازمند واکاوی تجربهٔ زیستهٔ آن دسته از کنشگرانی بود که در این زیست‌بوم درگیر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط هستند، از روش پدیدارشناسی بهره گرفته شد. این پژوهش از نظر رویکرد کلی، کیفی؛ از حیث هدف، کاربردی و از نظر شیوهٔ گردآوری و تحلیل داده‌ها در زمرهٔ تحقیقات توصیفی و تحلیلی قرار گرفت. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و برگزاری گروه‌های بحث متمرکز با ۱۳ نفر از خبرگان، مدیران، فعالان اقتصادی و ذی‌نفعان محلی در پایانه مرزی مهران گردآوری شد. در این پژوهش، انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌گونه‌ای صورت گرفت که همه گروه‌های ذی‌نفع در زمرهٔ مطلعان کلیدی قرار گیرند. بنابراین، افرادی از گمرک، پایانه مسافربری، فرمانداری، مرزبانی، بازرگانان، ناوگان حمل‌ونقل، اتاق بازرگانی، ادارهٔ استاندارد و نیروی انتظامی انتخاب شدند و در مرحلهٔ نخست به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند و در ادامه، برای تکمیل و تعمیق داده‌ها، از روش‌های نمونه‌گیری شبکه‌ای و نظری استفاده شد. با توجه به اهمیت و دقت در گردآوری اطلاعات مورد نیاز، تعداد ۱۸ جلسه مصاحبهٔ یک تا سه ساعته با مشارکت‌کنندگان برگزار شد؛ به‌گونه‌ای که با برخی از افراد دو جلسه مصاحبه صورت گرفت. فرآیند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که گردآوری داده‌ها تا زمانی انجام شد که اطلاعات جدید، مفهوم یا مقولهٔ تازه‌ای به یافته‌های پژوهش اضافه نکرد.

تحلیل داده‌ها از طریق فرآیند کدگذاری انجام شد. در این پژوهش، داده‌ها در سه مرحلهٔ کدگذاری باز[1]، محوری[2] و انتخابی[3] تحلیل شدند. کدگذاری باز، به‌عنوان مرحلهٔ نخست تحلیل داده‌ها، با هدف تجزیهٔ اولیه و شناسایی مفاهیم اصلی صورت گرفت. در این مرحله، پژوهشگر با مرور متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی، عبارات معنادار را استخراج و داده‌های مشابه را در قالب کدهای اولیه دسته‌بندی کرد. در مرحلهٔ کدگذاری محوری، که سطح دوم کدگذاری محسوب می‌شود، الگوهای موجود در داده‌ها شناسایی شد و با برقراری ارتباط میان خرده‌مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی، داده‌ها مجدداً به شکلی منسجم سازمان‌دهی شدند. در این مرحله، مقوله‌ها به‌صورت نظام‌مند پالایش شده و با زیرمقوله‌های مرتبط پیوند داده شدند (Pandit, 1996; Strauss & Corbin, 1998). کدگذاری محوری نقش اساسی در تبیین روابط میان مقوله‌ها و شکل‌گیری بنیان نظری پژوهش ایفا کرد. در مرحلهٔ نهایی، کدگذاری انتخابی با هدف تلفیق و یکپارچه‌سازی مقوله‌های استخراج‌شده انجام شد. در این مرحله، مقولهٔ محوری که توانایی ارتباط‌دهی سایر مقوله‌ها را داشت شناسایی گردید و با ترسیم چارچوب مفهومی، روابط و هم‌پوشانی میان مفاهیم تبیین شد. به‌منظور اطمینان از قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش، معیارهای اعتبارپذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری مورد توجه قرار گرفت. اعتبارپذیری نتایج از طریق بازبینی یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان (کنترل اعضا)، مشارکت بیش از یک پژوهشگر در فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها و خودبازبینی پژوهشگر تأمین شد. برای بررسی تأییدپذیری، کلیهٔ یادداشت‌ها، اسناد و مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از تحلیل در اختیار تیم پژوهش و سایر محققان قرار گرفت تا انطباق داده‌های خام با نتایج حاصل تأیید شود. همچنین، انتقال‌پذیری یافته‌ها از طریق به‌کارگیری رویه‌های نظام‌مند کدگذاری، مقایسهٔ مداوم داده‌ها با مصاحبه‌ها و ارائه توصیف دقیق از شرایط و بستر انجام پژوهش تحقق یافت.

1 Open coding
2 Axial coding
3 Selective coding

یافته‌ها

تحلیل پدیدارشناختی داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و ذی‌نفعان کلیدی پایانه مرزی مهران، به شناسایی و استخراج هشت مقولهٔ اصلی و ۱۵ مقولهٔ فرعی منجر شد (جدول ۱). این مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها بازتاب‌دهندهٔ تجربهٔ زیستهٔ مشارکت‌کنندگان از وضعیت کنونی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران هستند و ابعاد مختلف ساختاری، نهادی، اقتصادی و تعاملی حاکم بر این زیست‌بوم را از منظر کنشگران اصلی آن آشکار می‌سازند.

جدول ۱. مقولات اصلی و فرعی استخراج شده از تجربه زیسته بازگو شده توسط مصاحبه‌شوندگان

مقولات اصلی	مقولات فرعی		
فرهنگ	۱. فرهنگ کار	۲. فرهنگ میزبانی	
هم‌افزایی	۱. هماهنگی و شبکه‌سازی بین نهادها		
زیرساخت	۱. زیرساخت فیزیکی	۲. زیرساخت اداری	۳. زیرساخت دیجیتالی
حکمرانی	۱. سیاست و سیاستگذاری	۲. قوانین و مقررات	
سرمایه انسانی	۱. آموزش، توانمندسازی و مؤسسات آموزشی	۲. وضعیت نیروی انسانی	
سرمایه مالی	۱. دسترسی به بازار و رقابت‌پذیری	۲. تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذار	
نوآوری	۱. نوآوری اقتصادی و تجاری	۲. نوآوری نهادی و فناورانه	
امنیت	۱. امنیت		

مقوله اول: فرهنگ

یکی از ابعاد زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «فرهنگ» است که نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت تعاملات مرزی، نگرش به سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه ایفا می‌کند. این مقوله دارای دو مقولهٔ فرعی «فرهنگ کار» و «فرهنگ میزبانی» است. داده‌های کیفی نشان می‌دهد که توسعهٔ مرز، بیش از آنکه صرفاً به زیرساخت یا قوانین وابسته باشد، به سازگاری آن با فرهنگ و نظام ارزشی جامعهٔ محلی گره خورده است.

(الف) فرهنگ کار

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پایانه مرزی مهران به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و مجاورت با بازار بزرگ عراق، از ظرفیت بالایی برای تبدیل‌شدن به یکی از قطب‌های مهم تجارت مرزی کشور برخوردار است. با این حال، بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها به‌شدت تحت‌تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که برخی موانع فرهنگی می‌توانند مانع شکوفایی کامل این پتانسیل‌ها شوند. در این راستا، یکی از پرسش‌های محوری پژوهش به نقش فرهنگ عمومی منطقه در حمایت یا بازدارندگی از سرمایه‌گذاران، به‌ویژه سرمایه‌گذاران غیربومی، اختصاص داشت. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میزان پذیرش اجتماعی سرمایه‌گذار تا حد زیادی به نحوهٔ تعامل او با جامعهٔ محلی، به‌ویژه استفاده از نیروی انسانی بومی، وابسته است. یکی از مشارکت‌کنندگان تصریح می‌کند: «اگر سرمایه‌گذار برای تأمین نیروی کار خود از افراد محلی بهره ببرد، این مسئله به همکاری بهتر کمک خواهد کرد». از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، هرچند ورود سرمایه‌گذاران غیربومی ممکن است در ابتدا با چالش‌هایی همراه باشد، اما این مسائل ماهیتی حل‌پذیر دارند. تأکید اصلی جامعهٔ محلی بر اولویت‌دادن به اشتغال نیروهای بومی در مشاغلی است که نیازمند تخصص ویژه نیستند. در همین زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌دارد: «اگر این الگو رعایت شود، به نظر من مشکلات سرمایه‌گذار کمتر خواهد شد و تعارضی پیش نخواهد آمد». در عین حال، استفاده از نیروهای غیربومی در مشاغل تخصصی که مهارت آن‌ها در منطقه وجود ندارد، از منظر جامعهٔ محلی امری پذیرفتنی تلقی می‌شود. این رویکرد نشان‌دهندهٔ نوعی واقع‌گرایی اجتماعی در مواجهه با سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی در منطقه است. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که نزدیکی فرهنگی و اجتماعی ایران و عراق، به‌ویژه در حوزهٔ مصرف و همخوانی کالاها، یک مزیت رقابتی مهم برای

جذب سرمایه‌گذاری در پایانه مرزی مهران محسوب می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این‌باره اشاره می‌کند: «با توجه به همسایگی و اشتراکات فراوان فرهنگی میان کشور عراق و ایران، شرایط برای همخوانی کالاها فراهم است». در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش بخش قابل‌توجهی از جامعهٔ محلی همچنان معطوف به استخدام دولتی یا سرمایه‌گذاری‌های کم‌ریسک و محافظه‌کارانه است. از منظر مشارکت‌کنندگان، تغییر این نگرش مستلزم مداخلات فرهنگی و آموزشی بلندمدت است؛ به‌گونه‌ای که آموزش کارآفرینی از مدارس و دانشگاه‌ها آغاز شود و دولت نیز به‌جای حمایت از رانت‌جویان، پشتیبان کارآفرینان واقعی باشد.

(ب) فرهنگ میزبانی

فرهنگ میزبانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی فرهنگ عمومی در مناطق مرزی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به تجربهٔ مسافران، بازرگانان و سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند. در پایانه‌های مرزی، نحوهٔ استقبال، رفتار حرفه‌ای، احترام متقابل و کیفیت تعاملات اجتماعی، نه‌تنها بر رضایت کوتاه‌مدت مسافران اثرگذار است، بلکه در بلندمدت می‌تواند بر تصویر ذهنی کشور، تداوم جریان‌های تجاری و جذابیت سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. از این منظر، فرهنگ میزبانی در پایانه مرزی مهران را می‌توان بخشی از «سرمایه نرم» زیست‌بوم کارآفرینانه دانست که تقویت یا تضعیف آن، مستقیماً بر کارآمدی تعاملات مرزی و پایداری توسعه اقتصادی منطقه اثر می‌گذارد. به استناد داده‌های کیفی، ماهیت سنتی و قبیله‌ای شهرستان مهران، چالش‌هایی را در زمینهٔ پذیرش مسافران خارجی، به‌ویژه مسافران عراقی، ایجاد کرده است. برخی مشارکت‌کنندگان بر ضعف فرهنگ میزبانی و نحوهٔ تعامل با مسافران تأکید داشته‌اند. به گفتهٔ یکی از آنان: «ورود افراد از کشورهای دیگر به ایران، به‌ویژه در این منطقه، نیازمند توجه به نحوهٔ استقبال و رفتار با آن‌ها است». بازخوردهای منفی مسافران عراقی، به‌ویژه در ارتباط با رفتار برخی فعالان ناوگان حمل‌ونقل، از دیگر یافته‌های قابل‌توجه پژوهش است. رفتارهای نامناسب، نبود نظارت انتظامی در برخی ایام پرتردد، بروز درگیری‌های مکرر بر سر جابه‌جایی مسافر و فعالیت رانندگان فاقد هویت مشخص، همگی موجب تضعیف تصویر ذهنی پایانه مرزی مهران به‌عنوان «پیشانی کشور» شده‌اند. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، علی‌رغم وجود چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، از ظرفیت‌های معناداری برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی برخوردار است. تحقق این ظرفیت‌ها مستلزم تقویت فرهنگ میزبانی، ارتقای آموزش‌های اجتماعی و ایجاد تعامل سازنده میان سرمایه‌گذاران و جامعهٔ محلی است.

مقوله دوم: هم‌افزایی

هم‌افزایی نهادی و بین‌سازمانی یکی از ارکان بنیادین شکل‌گیری و پایداری زیست‌بوم‌های کارآفرینانه، به‌ویژه در فضاهای مرزی است؛ فضاهایی که در آن‌ها تعدد بازیگران، تداخل مأموریت‌ها و حساسیت‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی، ضرورت هماهنگی و همکاری مؤثر را دوچندان می‌سازد. در چنین بسترهایی، کارآمدی فرآیندها نه صرفاً به عملکرد یک نهاد، بلکه به کیفیت تعامل، تبادل اطلاعات و هم‌راستایی تصمیمات میان مجموعه‌ای از نهادهای دولتی، محلی، امنیتی و اقتصادی وابسته است. از این منظر، هم‌افزایی را می‌توان سازوکاری دانست که از طریق آن، ظرفیت‌های پراکنده نهادی به کنش جمعی منسجم تبدیل می‌شود و یا در صورت ضعف، به عاملی بازدارنده در مسیر توسعه کارآفرینانه بدل می‌گردد.

(الف) هماهنگی و شبکه‌سازی بین نهادها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه نهادها و سازمان‌های متعددی در پایانه مرزی مهران به‌صورت مستمر درگیر انجام مأموریت‌های اقتصادی، تجاری و اجتماعی هستند، اما کیفیت و کارآمدی همکاری‌های بین‌نهادی با چالش‌های ساختاری و اجرایی قابل‌توجهی مواجه است. از منظر مشارکت‌کنندگان، وجود تفاوت در مأموریت‌ها، نگاه‌های سازمانی و اولویت‌های نهادی، دستیابی به هماهنگی عملیاتی پایدار را دشوار ساخته است. این وضعیت سبب می‌شود که تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها همواره به‌موقع و مؤثر انجام نشود و در برخی موارد، تأخیر یا ناهماهنگی اطلاعاتی منجر به اختلال در فرآیندها گردد. در عین حال، برخی از مطلعان کلیدی تأکید می‌کنند که با وجود این دشواری‌ها، همکاری بین دستگاه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است و

تلاش‌هایی نظیر برگزاری جلسات مشترک و تعامل مستمر با نهادهایی چون استانداری، گمرک و نیروی انتظامی در جریان است؛ زیرا به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان، «فعالیت در این منطقه بدون همکاری میان دستگاه‌ها تقریباً غیرممکن است». در سطح فراملی نیز، تعامل با طرف عراقی نیازمند سازوکارهای هماهنگی چندلایه است. برنامه‌ریزی‌ها معمولاً پس از هماهنگی‌های امنیتی و از طریق نشست‌های مشترک دوره‌ای انجام می‌شود، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تصمیمات ناگهانی و اطلاع‌رسانی ناکافی، به‌ویژه در حوزهٔ صادرات، می‌تواند پیامدهای اقتصادی جدی به همراه داشته باشد. توقف حدود ۲۰ روزهٔ صادرات به سوریه و اردن نمونه‌ای از این وضعیت است که در آن، به‌دلیل الزام ناگهانی به اخذ مجوزهای جدید از سوی رانندگان عراقی و ضعف اطلاع‌رسانی، کالاها در مرز دپو شده و تجار متحمل زیان شده‌اند. از دیگر مصادیق ضعف هماهنگی، گسست ارتباطی میان مدیران و ذی‌نفعان اجرایی است. به گفتهٔ برخی مشارکت‌کنندگان، عدم تمایل برخی مدیران به گفت‌وگوی مستقیم با کارگران و ترخیص‌کاران، موجب انباشت مسائل حل‌نشده و تشدید نارضایتی‌ها شده است. همچنین، سوءمدیریت در بخش پارکینگ و ناهماهنگی میان گمرک، شرکت انبارداری و مدیریت پارکینگ، منجر به جابه‌جایی نوبت‌ها، ورود بدون ضابطهٔ کامیون‌ها و افزایش فشار کاری بر نیروی انسانی شده است؛ امری که به‌طور مستقیم کارایی عملیاتی پایانه را کاهش می‌دهد. در مقابل، برخی مشارکت‌کنندگان ارزیابی مثبتی از نقش نهادهای دولتی و محلی از جمله گمرک، استانداری، فرمانداری و اتاق بازرگانی ارائه می‌دهند و آن‌ها را «حیاتی و کمک‌کننده» می‌دانند. به باور این افراد، بخش قابل‌توجهی از مشکلات مطرح‌شده در جلسات مرزی، به‌ویژه مسائلی که نیازمند مصوبات حاکمیتی است، از طریق همین سازوکارهای هماهنگی حل‌وفصل می‌شود و این نهادها «به‌عنوان چراغ راهنما و مشوق عمل می‌کنند». با این حال، مدیریت زمان‌های پیک، به‌ویژه در ایام خاصی مانند اربعین، یکی از برجسته‌ترین چالش‌های باقی‌مانده است. در این دوره‌ها، کمبود زیرساخت‌های رفاهی و خدماتی، ناهماهنگی مسیرها و تعدد مراکز تصمیم‌گیری، تجربهٔ مسافران را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که یکی از مشارکت‌کنندگان شرایط موجود را چنین توصیف می‌کند: «صف‌های طولانی، نبود سایبان کافی، گرمای شدید، نبود آب آشامیدنی سرد یا سرویس‌های بهداشتی تمیز واقعاً عذاب‌آور است». یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که تعامل میان دولت، بخش خصوصی، نهادهای محلی و دانشگاه‌ها اگرچه وجود دارد، اما عمیق، نهادمند و اثربخش نیست. بسیاری از همکاری‌ها در سطح جلسات و صورت‌جلسه باقی می‌ماند و به سازوکار اجرایی منسجم منتهی نمی‌شود. ضعف ارتباط دانشگاه‌ها با بخش خصوصی و غلبه رویکرد نظارتی بر نقش تسهیل‌گر نهادهای دولتی، از موانع اصلی شکل‌گیری یک زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پویا در پایانه مرزی مهران به شمار می‌رود. در این راستا، مشارکت‌کنندگان بر ضرورت ایجاد سازوکار رسمی و منظم برای تبادل اطلاعات و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها تأکید دارند. نبود چنین سازوکاری موجب تأخیر در انتقال اطلاعات، اتخاذ تصمیمات متناقض و در نهایت توقف یا فرسایش فرآیندها می‌شود. به تعبیر یکی از جامعهٔ مورد مطالعه، «تا زمانی که این نهادها با هم هماهنگ عمل نکنند، فرقی نمی‌کند که چقدر سرمایه‌گذار به منطقه بیاید؛ در هر صورت، فرآیندها به شکل فرسایشی و کند ادامه خواهد یافت». در نهایت، یافته‌ها حاکی از آن است که نبود فرماندهی و مدیریت یکپارچه در سمت ایرانی مرز، در مقایسه با ساختار متمرکز طرف عراقی، به پیچیدگی تعاملات تجاری و ترانزیتی دامن زده است. افزون بر این، ضعف زیرساخت‌های رفاهی برای رانندگان و کارکنان (نظیر محل اسکان، سرویس‌های بهداشتی و رستوران) نشان‌دهندهٔ شکاف میان وظایف تعریف‌شده در اسناد بالادستی و واقعیت اجرایی پایانه مرزی مهران است.

مقوله سوم: زیرساخت

زیرساخت‌ها به‌عنوان ستون فقرات زیست‌بوم‌های کارآفرینانه، نقشی تعیین‌کننده در تسهیل یا تضعیف فعالیت‌های اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و پایداری کسب‌وکارها ایفا می‌کنند. در پایانه‌های مرزی، زیرساخت صرفاً به معنای فضا و تجهیزات فیزیکی نیست، بلکه مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از امکانات فیزیکی، سامانه‌های دیجیتال و سازوکارهای اداری را دربر می‌گیرد که کارآمدی آن‌ها مستقیماً بر سرعت، شفافیت و هزینهٔ مبادلات اثر می‌گذارد. از این منظر، کیفیت زیرساخت‌ها در پایانه مرزی مهران را

می‌توان یکی از عوامل بنیادین شکل‌گیری یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه دانست؛ عاملی که در صورت نارسایی، حتی در حضور تقاضای بازار و ظرفیت‌های انسانی، می‌تواند به گلوگاه توسعه اقتصادی تبدیل شود.

(الف) زیرساخت فیزیکی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتال و اداری پایانه مرزی مهران، علی‌رغم نقش راهبردی این مرز در تجارت خارجی و اشتغال منطقه‌ای، با کاستی‌های ساختاری جدی مواجه است که کارایی زیست‌بوم کارآفرینانه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، نهادهایی همچون استانداری، گمرک و اتاق بازرگانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سامان‌دهی و توسعهٔ این زیرساخت‌ها دارند و به‌ویژه استانداری می‌تواند با سیاست‌گذاری و تخصیص فضا، بستر توسعه کسب‌وکارها را فراهم کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح‌شده، محدودیت شدید فضای فیزیکی پایانه است. به گفتهٔ یکی از مطلعان کلیدی، «در حال حاضر، حدود ۱۵ هکتار فضای موجود داریم که این رقم زیاد نیست»، در حالی که حجم تردد روزانهٔ کالا به حدود هزار کامیون و سالانه نزدیک به سه میلیون تن می‌رسد. این در شرایطی است که بر اساس دستورالعمل‌های رسمی پایانه‌های مرزی، برای چنین سطحی از فعالیت تجاری «حداقل ۲۰۰ هکتار زمین» مورد نیاز است، اما فضای عملیاتی موجود «کمتر از ۱۰ هکتار» برآورد می‌شود. این ناهماهنگی فضایی، نه‌تنها منجر به دپوی اجباری کامیون‌ها و اختلال در زنجیرهٔ لجستیک شده، بلکه پیامدهای ایمنی جدی، از جمله بروز حوادث منجر به فوت، به همراه داشته است.

(ب) زیرساخت دیجیتال و (پ) زیرساخت اداری

در بعد زیرساخت‌های دیجیتال و اداری، قطع مکرر برق و ناپایداری سیستم‌های نرم‌افزاری گمرک، از اصلی‌ترین موانع فعالیت تجار و ترخیص‌کاران عنوان شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان تصریح می‌کند: «بزرگ‌ترین چالش ما قطع ارتباط سیستم گمرک است». این مشکل به‌ویژه در فصول گرم سال تشدید می‌شود و در کنار ناامنی سایبری و تجربهٔ هک سیستم‌ها در حملات اخیر جنگ ۱۲ روزه، منجر به اختلال گسترده در فرآیندهای تجاری و افزایش هزینه‌های مبادله شده است. یافته‌ها همچنین حاکی از وضعیت نامطلوب زیرساخت‌های بهداشتی و رفاهی برای کارگران، رانندگان و تجار است. نبود سرویس‌های بهداشتی، فضای استراحت و محل مناسب برای صرف غذا، به‌ویژه در شرایط اقلیمی سخت منطقه، به‌عنوان یکی از مصادیق بارز ناکارآمدی زیرساخت‌های فیزیکی مطرح شده است. یکی از رانندگان پایانه در این‌باره می‌گوید: «کارگران، به‌ویژه در ساعات پیک فعالیت، منتظر ورود کامیون‌ها هستند و در این حین، جایی برای استراحت ندارند». این وضعیت، علاوه بر پیامدهای بهداشتی و انسانی، بر بهره‌وری نیروی کار و پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه نیز اثر منفی دارد. در حوزهٔ خدمات پشتیبان کسب‌وکار، ضعف جدی در نظام انبارداری و پارکینگ نیز مشاهده می‌شود. از دیدگاه تجار، تفاوت ظرفیت کامیون‌های عراقی با ناوگان داخلی و ناکارآمدی مدیریت فضا، فشار مضاعفی بر سیستم انبارداری وارد کرده است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «متأسفانه، خدمات مناسبی از سوی شرکت‌های انبارداری ارائه نمی‌شود و فقط هزینه‌ها و کارمزدهای بالایی دریافت می‌کنند». این مسئله، جذابیت سرمایه‌گذاری و تداوم فعالیت تجاری را کاهش می‌دهد. در کنار این چالش‌ها، برخی نشانه‌های بهبود نیز مشاهده می‌شود. از جمله، راه‌اندازی کیوسک‌های فروش بلیت که به گفتهٔ یکی از مصاحبه‌شوندگان «حدود یک ماه است راه‌اندازی شده» و موجب افزایش شفافیت و بهبود تجربهٔ مسافران شده است. همچنین، تکمیل زیرساخت غرفه‌های حمل‌ونقل و احداث فضاهای تجاری جدید، ظرفیت بالقوه‌ای برای توسعهٔ اشتغال ایجاد کرده، هرچند بخش قابل‌توجهی از تجهیزات و ساختمان‌ها همچنان نیازمند به‌سازی است. از منظر نهادی و عملیاتی، کمبود تجهیزات کنترلی پیشرفته، به‌ویژه دستگاه‌های اشعهٔ ایکس ری، و محدودیت نیروی انسانی، منجر به کاهش ساعات فعالیت بخش تجاری پایانه شده است. در حالی که بخش مسافری به‌صورت شبانه‌روزی فعال است، بخش تجاری به‌دلیل همین کمبودها، امکان فعالیت ۲۴ ساعته ندارد. افزون بر این، ناهماهنگی‌های طرف عراقی و تعطیلی مقطعی پذیرش کامیون‌ها نیز بر این محدودیت‌ها دامن می‌زند.

مقوله چهارم: حکمرانی

یکی از ابعاد بنیادین زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «حکمرانی» است که از طریق جهت‌دهی به شیوه‌های مدیریت مرزی، چارچوب‌های تصمیم‌گیری عمومی و نحوهٔ مداخلهٔ دولت، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت تعاملات مرزی، نگرش فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری و در نهایت تقویت یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه ایفا می‌کند. این مقوله شامل دو زیرمقوله اصلی «سیاست و سیاست‌گذاری» و «قوانین و مقررات» است که هر یک به‌طور مستقیم بر ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و کارآمدی فعالیت‌های اقتصادی در پایانه اثرگذارند.

(الف) سیاست و سیاست‌گذاری

تحلیل داده‌های کیفی نشان می‌دهد که بُعد سیاست‌گذاری و قوانین در پایانه مرزی مهران، با وجود برخورداری از چارچوب‌های نسبتاً منسجم و الزام‌آور، در عمل با محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی مواجه است که کارکرد زیست‌بوم کارآفرینانهٔ این منطقه را کاهش داده است. سیاست‌های حاکم بر مرز، بیشتر ماهیتی امنیتی و کنترل‌محور دارند و کمتر به جنبه‌های توسعه‌ای، اشتغال‌زایی و تسهیل‌گری توجه شده است. در حوزهٔ سیاست‌های اجرایی، چند تن از مدیران و کارشناسان به ضرورت واگذاری برخی فعالیت‌های عملیاتی به بخش خصوصی اشاره داشتند. یکی از آنان گفته است: «به‌منظور کاهش بار دولت و افزایش تخصص، پیشنهاد شده است که عملیاتی مانند تخلیه، بارگیری و توزین کالا به بخش خصوصی و تعاونی واگذار شود». به باور مشارکت‌کنندگان، کاربست این سیاست می‌تواند هم اشتغال محلی را افزایش دهد و هم کارایی لجستیکی پایانه را ارتقا بخشد. در همین راستا، طرح واگذاری روزانهٔ واحدهایی مانند «پایانه برکت» به بخش خصوصی از طریق مزایده، به‌عنوان نمونه‌ای موفق در بهره‌گیری کارآمد از زیرساخت‌ها معرفی شده است. آسیب‌شناسی فرآیندهای اداری نیز نشان می‌دهد که بوروکراسی طولانی، به‌هم‌ریختگی در هماهنگی نهادی و بی‌ثباتی تصمیم‌گیری‌ها از موانع عمده فعالیت‌های اقتصادی در این مرز به‌شمار می‌روند. چنان‌که یکی از مدیران گفته است: «تصمیماتی که گاه ناگهانی و بدون اطلاع‌رسانی قبلی ابلاغ می‌شوند، باعث می‌شوند ما نتوانیم برای آینده برنامه‌ریزی کنیم». در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌ها و تصمیمات حاکم بر مرز مهران غالباً امنیت‌محور، کوتاه‌مدت و فاقد پایداری نهادی هستند. به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان: «عموم سیاست‌گذاری‌ها در حوزهٔ مرز، یا امنیت‌محورند یا کوتاه‌مدت». این وضعیت، به‌دلیل نوسان مداوم در رویه‌ها، تغییرات متعدد در مقررات گمرکی و مالیاتی و نبود افق برنامه‌ریزی مشخص، فضای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را تضعیف کرده و ظرفیت نوآوری و کارآفرینی را کاهش داده است. از این‌رو، حرکت به سوی حکمرانی مرزی پایدار، شفاف و هماهنگ با رویکرد تسهیل‌گر کسب‌وکار و تقویت هم‌افزایی نهادی، ضرورتی انکارناپذیر برای شکوفایی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران است.

(ب) قوانین و مقررات

قوانین و مقررات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری حکمرانی در زیست‌بوم‌های کارآفرینانه، نقشی تعیین‌کننده در ایجاد ثبات، کاهش نااطمینانی و جهت‌دهی به رفتار کنشگران اقتصادی ایفا می‌کنند. در پایانه‌های مرزی، این نقش اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی در چنین فضاهایی در تلاقی ملاحظات امنیتی، تجاری، گمرکی و بین‌المللی قرار دارد. از این منظر، کارآمدی قوانین نه‌تنها به انسجام و جامعیت متون قانونی، بلکه به نحوهٔ اجرا، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی و میزان انطباق آن‌ها با مقتضیات محلی و نیازهای کارآفرینانه وابسته است. هرگونه شکاف میان «قانون مکتوب» و «اجرای عملی»، می‌تواند قوانین را از ابزار تسهیل‌گر توسعه به عاملی بازدارنده در زیست‌بوم کارآفرینانه تبدیل کند. به گفتهٔ رئیس پایانه، اگرچه مقررات کلان کشور در حوزهٔ مرزها دارای انسجام و الزام خوبی هستند، اما برخی تبصره‌ها مانع پویایی اقتصادی می‌شوند. وی تصریح می‌کند: «دستورالعمل ویژهٔ مبادی ورودی و خروجی کشور، که پایانه ملزم به تبعیت از آن است، در مجموع یک چارچوب قانونی بسیار خوب و الزام‌آور است». با این حال، برخی مفاد آن به‌گونه‌ای تدوین شده‌اند که «می‌توانند فرصت‌های اشتغال‌زایی را محدود کنند»، از جمله منع فعالیت‌هایی مانند فروش سیم‌کارت، که به باور مشارکت‌کنندگان می‌تواند ضمن تقویت خدمات مرزی، به

ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بینجامد. با وجود چنین ظرفیت‌هایی، محدودیت‌ها و خلأهای قانونی همچنان محسوس است. از دیدگاه جامعهٔ مورد مطالعه، فقدان فرماندهی واحد در سطح مرز و اجرای ناقص مقرراتی مانند تعریف محدودهٔ گمرک و تفکیک مسیرهای ورود و خروج، به آشفتگی و تخلفات ساختاری منجر شده است. برخی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند که پایانه عملاً از کارکرد تجاری خود فاصله گرفته و به شکل یک پایانه مسافربری داخلی تبدیل شده است. در این میان، «وجود تنها یک درب ورود و یک درب خروج»، بدون سامان‌دهی دقیق، موجب ایجاد گره‌های ترافیکی و کاهش امنیت شده است. این بی‌ثباتی به‌ویژه در حوزهٔ مقررات گمرکی و مالیاتی، احساس نااطمینانی در میان سرمایه‌گذاران ایجاد کرده و توان کارآفرینی در منطقه را محدود نموده است. علاوه بر این، طولانی بودن فرآیند صدور مجوزها و پیچیدگی هماهنگی بین دستگاه‌ها، از دیگر چالش‌های کلیدی است. یکی از فعالان اقتصادی دراین‌باره توضیح می‌دهد: «صدور مجوزها یا هماهنگی بین دستگاه‌ها، گاهی هفته‌ها یا حتی ماه‌ها طول می‌کشد که باعث می‌شود فعالان اقتصادی فرصت‌های بازار را از دست بدهند». به‌رغم این کاستی‌ها، سطح رضایتمندی برخی تجار و ترخیص‌کاران از کلیت قوانین موجود، بین شصت تا هفتاد درصد برآورد شده است؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد ریشهٔ بسیاری از نارضایتی‌ها نه در ذات قانون، بلکه در ضعف اجرا، اطلاع‌رسانی و آموزش نهفته است. در همین راستا، یکی از مسئولان گمرک معتقد است که تقویت آموزش‌های تخصصی، به‌ویژه برای کارگزاران گمرکی و ترخیص‌کاران، می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را کاهش دهد.

مقوله پنجم: سرمایهٔ انسانی

یکی از ابعاد اساسی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «سرمایهٔ انسانی» است که با تکیه بر سطح دانش، مهارت، توانمندی‌ها و وضعیت اشتغال نیروی انسانی، نقش مهمی در کیفیت تعاملات مرزی، شکل‌گیری نگرش مثبت یا منفی نسبت به سرمایه‌گذاری و در نهایت تقویت یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه ایفا می‌کند. این مقوله شامل دو زیرمقوله «آموزش، توانمندسازی و مؤسسات آموزشی» و «وضعیت نیروی انسانی» است که هر یک به‌طور مستقیم بر بهره‌وری، کارآمدی و پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه در پایانه مرزی اثرگذارند.

(الف) آموزش، توانمندسازی و مؤسسات آموزشی

تحلیل داده‌های میدانی نشان می‌دهد که ضعف در نظام آموزش و توسعهٔ منابع انسانی از چالش‌های محوری زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران است. با وجود ظرفیت بالای نیروی انسانی بومی، ناکارآمدی در سیاست‌های استخدام، آموزش، بیمه و توسعهٔ مهارتی، موجب شده است که بخش قابل‌توجهی از نیروها بدون حمایت سازمانی یا فرصت رشد حرفه‌ای فعالیت کنند. در واقع، نیروی انسانی در این منطقه از نظر توان فنی، مهارت‌های تجاری و آشنایی با قوانین مرتبط، هنوز توسعه‌یافته تلقی نمی‌شود. از منظر آموزش، یافته‌ها نشان می‌دهد که دوره‌های ارائه‌شده توسط نهادهایی مانند اتاق بازرگانی یا مؤسسه‌های آموزشی، پراکنده، کوتاه‌مدت و غیرکاربردی هستند. یکی از فعالان اقتصادی دراین‌باره تصریح کرده است: «این دوره‌ها بسیار کوتاه و ناکافی هستند و به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای واقعی تجار و نیروهای محلی نیستند». به‌ویژه در زمینه‌های مالیاتی، حسابداری بازرگانی، قوانین تجارت بین‌الملل و مدیریت زنجیرهٔ تأمین، کمبود آموزش‌های تخصصی محسوس است. همچنین، آشنایی ناکافی با زبان عربی و مقررات بازار عراق از موانع جدی در تعاملات فرامرزی محسوب می‌شود. فراتر از ضعف آموزشی، مسئلهٔ هماهنگی نهادی نیز نقش مهمی در این وضعیت دارد. فقدان ارتباط مؤثر میان دانشگاه، صنعت و دولت یکی از عوامل ضعف در توسعهٔ منابع انسانی در منطقه است. همان‌گونه که یکی از مشارکت‌کنندگان تأکید کرده است: «با توجه به ظرفیت‌های موجود در نیروی انسانی و نیاز به بهبود آموزش‌های تخصصی، باید پیوند بین دانشگاه، صنعت و دولت تقویت شود». به باور کارشناسان، بهره‌گیری از دانشگاه‌ها در طراحی دوره‌های مهارتی، آموزش زبان و تجارت بین‌الملل و برگزاری کارگاه‌های عملی می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی نیروهای بومی ایفا کند و شکاف دانشی میان بازار کار و نظام آموزشی را کاهش دهد.

(ب) نیروی انسانی

نیروی انسانی به‌عنوان هستهٔ پویا و عامل پیشران زیست‌بوم‌های کارآفرینانه، نقشی تعیین‌کننده در بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی، کیفیت خدمات و پایداری فعالیت‌های مرزی ایفا می‌کند. در پایانه‌های مرزی، اهمیت سرمایهٔ انسانی دوچندان است؛ زیرا کارآمدی عملیات، امنیت، سرعت مبادلات و رضایت ذی‌نفعان، مستقیماً به مهارت، انگیزه و ثبات شغلی نیروی کار وابسته است. از این منظر، نحوهٔ جذب، به‌کارگیری، آموزش و حمایت از نیروی انسانی، نه‌تنها یک مسئلهٔ اجرایی، بلکه مؤلفه‌ای راهبردی در شکل‌گیری یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه محسوب می‌شود. هرگونه نابرابری، بی‌ثباتی یا ضعف نهادی در این حوزه، می‌تواند ظرفیت‌های انسانی موجود را به پتانسیلی بالفعل‌نشده تبدیل کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش تصریح می‌کند که شرکت‌های فعال در حوزهٔ انبارداری و تخلیهٔ بار، به تعهدات خود عمل نکرده‌اند: «شرکت انبارها در اینجا تعهداتی به صورت ۱۸ بند دارد که متأسفانه به هیچ‌کدام از این تعهدات عمل نکرده است». وی همچنین بر بی‌عدالتی در بهره‌گیری از نیروهای محلی تأکید کرده و می‌گوید: «ما در مهران افراد بومی زیادی داریم که می‌توانند کارهای خدماتی را انجام دهند، اما به‌دلیل نفوذ یا واسطه‌ها، افراد غیربومی در اینجا استخدام شده‌اند». این مسئله نه‌تنها مانع بهره‌گیری از ظرفیت منابع انسانی منطقه شده، بلکه احساس نارضایتی اجتماعی و تضعیف اعتماد متقابل میان مردم و بخش خصوصی را نیز در پی داشته است. در سطح عملیاتی، نظام پرداخت دستمزد و تأمین تجهیزات نیز با آسیب‌های ساختاری مواجه است. یکی از رانندگان عنوان کرده است: «یک جفت لاستیک لیفتراک حدوداً بیش از ۴۰ میلیون تومان قیمت دارد و با این دستمزد کم، راننده چگونه می‌تواند این هزینه‌ها را پوشش دهد؟» این شکاف بین دریافت انبارداری از صاحبان کالا و میزان پرداخت به کارگران، شکلی از نابرابری اقتصادی درون زیست‌بوم مرزی ایجاد کرده است. افزون بر این، اکثر کارگران فاقد بیمه و حمایت‌های قانونی هستند؛ همان‌گونه که یکی از مدیران تأکید کرده است: «تا این لحظه، هیچ کارگری بیمه نشده و هیچ‌یک از پرسنل، از جمله رانندگان جرثقیل و لیفتراک، تحت پوشش بیمه قرار ندارند». این وضعیت، امنیت شغلی را کاهش داده و انگیزه و پایداری نیروی کار را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. در جمع‌بندی، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که زیست‌بوم کارآفرینانهٔ مهران از ظرفیت انسانی بالقوه برخوردار است، اما ضعف در آموزش‌های تخصصی، فقدان امنیت شغلی، بی‌نظمی در پرداخت دستمزد و نبود ارتباط نهادی میان مراکز علمی و بخش خصوصی، مانع شکوفایی این ظرفیت شده است. بنابراین، ایجاد سازوکارهای پایدار آموزش و توانمندسازی، اصلاح نظام استخدام و بیمهٔ نیروی کار و تقویت سه‌ضلعی دانشگاه، صنعت و دولت می‌تواند مسیر ارتقای قابلیت‌های انسانی و جهش کارآفرینی در این مرز اقتصادی را هموار سازد.

مقوله ششم: سرمایهٔ مالی

یکی از ابعاد کلیدی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «سرمایهٔ مالی» است که نقش اساسی در امکان‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی، جذابیت سرمایه‌گذاری، سطح رقابت‌پذیری و پایداری کسب‌وکارهای مرزی ایفا می‌کند. این مقوله ناظر بر جریان، دسترسی و کارایی منابع مالی در پایانه بوده و شامل دو مقولهٔ فرعی «دسترسی به بازار، فرصت‌های اقتصادی و رقابت‌پذیری» و «تأمین مالی، جذب سرمایه‌گذار و موانع نهادی» است که هر یک می‌توانند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به تقویت یا تضعیف زیست‌بوم کارآفرینانه منجر شوند.

(الف) دسترسی به بازار و رقابت‌پذیری

یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که حوزهٔ دسترسی به بازار و سرمایه در پایانه مرزی مهران با وجود پتانسیل بالا، با موانع ساختاری، رقابت نابرابر و ضعف حمایت نهادی مواجه است. به‌ویژه در دو سطح بازارهای محلی و منطقه‌ای و فرآیند تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذار، فرصت‌ها به‌دلیل نبود زیرساخت مناسب، بی‌ثباتی تصمیمات اداری و کمبود مشوق‌های واقعی برای سرمایه‌گذاران، به‌درستی بهره‌برداری نمی‌شوند. با توجه به موقعیت ویژهٔ مهران در محور زائران عراق، تردد فصلی در ایام مذهبی از جمله اربعین و فاطمیه، زمینه‌ای برای ایجاد درآمدهای موقت و فرصت‌های خرد اقتصادی فراهم می‌آورد. یکی از فعالان

اقتصادی دراین‌باره اظهار داشت: «در ایام خاص مانند ایام فاطمیه و اربعین حسینی، تردد مسافران به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد و این افزایش می‌تواند به‌عنوان منبع درآمد اضافی برای کسب‌وکارهای محلی محسوب شود». با وجود این پتانسیل، نظام حمل‌ونقل و خدمات مسافربری دچار بی‌نظمی است. یکی از رانندگان به مسئلهٔ رقابت نابرابر اشاره کرده است؛ بدین مضمون که خودروهای شخصی تا نقطهٔ صفر مرزی وارد می‌شوند و بدون نظارت و مجوز، مسافران را با نرخ کمتر جابه‌جا می‌کنند، در حالی که رانندگان رسمی باید مراحل گوناگون تأیید، از جمله کارت بهداشت و سوءپیشینه را طی کنند. او می‌گوید: «ما برای اینکه بتوانیم مجوز داشته باشیم، فیلترهای زیادی را رد کرده‌ایم، اما بسیاری از افراد با پلاک شخصی وارد می‌شوند، بدون هیچ‌گونه نظارتی». این وضعیت به بی‌اعتمادی و تضعیف انگیزهٔ کاری میان رانندگان مجاز دامن زده و سبب از بین رفتن مزیت رقابتی فعالیت‌های رسمی در پایانه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازار بزرگ عراق و کشورهای حوزهٔ خلیج فارس می‌تواند به‌عنوان یک فرصت راهبردی برای صادرات و ایجاد اشتغال در منطقه عمل کند. به باور یکی از متخصصان، «پتانسیل این وجود دارد که از عراق به‌عنوان پل ارتباطی برای صادرات به سایر کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس، اردن، سوریه و لبنان استفاده شود». با این حال، چالش‌هایی مانند نبود ضمانت‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی و دشواری در انتقال پول مانع بهره‌برداری از این بازارها شده است. تداوم این وضعیت عملاً بازار مهران را از نقش منطقه‌ای خود دور نگه داشته است.

(ب) تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذار

تأمین مالی و جذب سرمایه‌گذار از ارکان اساسی شکل‌گیری و پایداری زیست‌بوم‌های کارآفرینانه به‌شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل ایده‌ها و ظرفیت‌های محلی به فعالیت‌های اقتصادی مولد ایفا می‌کند. در مناطق مرزی، این مؤلفه تحت تأثیر هم‌زمان عوامل اقتصادی، نهادی و ادراکی قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که دسترسی به منابع مالی، وجود نهادهای پشتیبان، ثبات محیط سرمایه‌گذاری و سطح ریسک‌پذیری، به‌طور مستقیم بر تمایل سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی اثر می‌گذارد. در چنین بستری، هرگونه ضعف در نظام تأمین مالی یا نبود سازوکارهای جذب سرمایه، می‌تواند به گلوگاهی جدی در مسیر توسعهٔ کارآفرینی تبدیل شده و سایر ظرفیت‌های زیست‌بوم را نیز بلااستفاده باقی بگذارد. به استناد یافته‌های پژوهش، یکی از چالش‌های بنیادین در مهران، دسترسی دشوار به منابع مالی و نبود حمایت بانکی مناسب است. فعالان اقتصادی بر این باورند که حمایت مالی مؤثر از سوی نهادهای دولتی و بانکی وجود ندارد و نرخ سود تسهیلات بسیار بالا است. به گفتهٔ یکی از آنان، «بانک‌ها هیچ‌گونه مشوقی ارائه نمی‌کنند و وام‌ها و تسهیلات موجود با سودی بیش از ۲۴ درصد در اختیار افراد قرار می‌گیرد». این شرایط موجب فشار مالی سنگین بر کسب‌وکارها، به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط شده است و به گفتهٔ مشارکت‌کنندگان، سرمایه‌گذاران محلی عملاً به سرمایه شخصی یا روابط غیردولتی متکی هستند. نبود سرمایه‌گذاران قدرتمند و صندوق‌های مالی حمایتی نیز از موانع اصلی توسعهٔ اقتصادی منطقه است. یکی از مدیران محلی اشاره کرد که «در استان ایلام، سرمایه‌گذاران قدرتمند یا حامیان مالی با توان مالی بالا به تعداد کافی حضور ندارند» و افزود که ایجاد سازوکارهای حمایتی و تسهیلات هدفمند می‌تواند موجب جهش سرمایه‌گذاری گردد. پیچیدگی اداری و بروکراسی نیز مانع جدی جذب سرمایه‌گذار است، زیرا صدور مجوزها و واگذاری زمین به سرمایه‌گذاران با تأخیر و عدم شفافیت انجام می‌شود. شرکت‌ها برای راه‌اندازی کسب‌وکارهایی مانند انبار یا هتل، با مشکلات متعدد مالکیت زمین مواجه‌اند. به گفتهٔ یکی از کارشناسان: «اگر زمین در دسترس نباشد، سرمایه‌گذاری ممکن نخواهد بود». افزون بر این، نگرانی از بی‌ثباتی مرز و ناپایداری فعالیت اقتصادی، از جمله عواملی است که ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد. چنان‌که یکی از سرمایه‌گذاران بیان کرده است: «ممکن است سرمایه‌گذار مبلغ زیادی هزینه کند و بعد از چند سال، به‌دلیل شرایط یا مسائل مختلف، این مرز نتواند به فعالیت خود ادامه دهد». در زمینهٔ نهادی، پژوهش نشان داد که بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها از سوی شرکت‌های مستقر در تهران یا خارج از استان انجام می‌شود و سهم بومیان در سرمایه‌گذاری اندک است. یکی از مشارکت‌کنندگان تصریح می‌کند: «متأسفانه بخش عمده‌ای از سرمایه از خارج استان تأمین

می‌شود و سهم بومیان محدود است». در کنار آن، وضعیت نیمه‌تمام مناطق آزاد، احاطهٔ زمین‌های شخصی اطراف پایانه و عدم پیشرفت پروژه‌های زیربنایی، از موانع جدی سرمایه‌گذاری به شمار می‌آیند.

مقوله هفتم: نوآوری

یکی از ابعاد کلیدی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «نوآوری» است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سازوکار تعاملات مرزی، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و توانمندسازی زیست‌بوم برای خلق فرصت‌های اقتصادی و ارتقای رقابت‌پذیری ایفا می‌کند. نوآوری در اینجا به معنای توانمندسازی فرآیندهای خلق ایده، تجاری‌سازی محصولات و خدمات نوآورانه و نهادینه‌سازی راهکارهای خلاقانه در ساختارهای مرزی است. این مقوله دارای دو مقولهٔ فرعی «نوآوری اقتصادی و تجاری» و «نوآوری نهادی و فناورانه» است.

(الف) نوآوری اقتصادی و تجاری

مطالعهٔ پدیدارشناختی حاضر نشان می‌دهد که نوآوری و خلاقیت در پایانه مرزی مهران، اگرچه به‌عنوان یک مؤلفهٔ کلیدی پیشرفت شناخته می‌شود، هنوز در مرحلهٔ بالقوه باقی مانده و در عمل به ساختارهای اقتصادی و اجرایی منطقه وارد نشده است. فعالان اقتصادی بارها بر ضعف ارتباط بین دانشگاه‌ها، صنعت و دولت تأکید کرده‌اند؛ بخشی عمدهٔ مشکلات، ناشی از فقدان بهره‌گیری از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها و بی‌توجهی به ایده‌های خلاق دانشجویان برای ارائه راهکارهای نو است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند که: «متأسفانه تاکنون دانشگاه‌ها در پایانه مرزی ورود نکرده‌اند و از خلاقیت و نوآوری دانشجویان بهره‌برداری نشده است». این گزاره نشان‌دهندهٔ گسست جدی میان نهادهای علمی و بخش خصوصی است؛ شکافی که مانع شکل‌گیری چرخهٔ دانش و نوآوری در زیست‌بوم کارآفرینی منطقه شده است. یافته‌ها آشکار می‌کنند که با وجود مزیت جغرافیایی مهران (به‌عنوان نزدیک‌ترین گذرگاه به بازار عراق)، هنوز نوآوری در مدل‌های تولید و صادرات به‌صورت نظام‌مند شکل نگرفته است. به‌طور نمادین یکی از مشارکت‌کنندگان به «فقدان ایده‌های خلاقانه در تأسیس شرکت‌های صادراتی» اشاره کرد و مثال آورد که: «تاکنون ایده‌ای مانند تولید دستمال کاغذی برای صادرات به عراق مطرح نشده است». این بیان ساده، بازتاب ضعف تفکر نوآورانه در طراحی محصولات صادرات‌محور است؛ در حالی که نزدیکی به بازار هدف می‌تواند هزینه‌های بازاریابی و حمل‌ونقل را کاهش دهد و شانس موفقیت اقتصادی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. در ادامه مصاحبه‌ها، ترخیص‌کاران نیز به ساختار سنتی تبادلات کالا اشاره کردند؛ این فعالیت‌ها عمدتاً محدود به کالاهای وارداتی از سایر استان‌ها بوده و استان ایلام هنوز در مسیر تبدیل به صادرکنندهٔ فعال منطقه‌ای گام برنداشته است. فقدان فرهنگ‌سازی در زمینهٔ «کارآفرینی صادراتی» اصلی‌ترین علت تداوم این وضعیت ذکر شده است.

(ب) نوآوری نهادی و فناورانه

نوآوری نهادی و فناورانه یکی از پیشران‌های کلیدی تحول در زیست‌بوم‌های کارآفرینانه به‌شمار می‌رود و نقشی اساسی در ارتقای کارایی، شفافیت و رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. در پایانه‌های مرزی، نوآوری فراتر از به‌کارگیری فناوری‌های نوین بوده و شامل بازاندیشی در سازوکارهای نهادی، فرآیندهای اداری، الگوهای تعامل میان کنشگران و شیوه‌های ارائه خدمات می‌شود. از این منظر، پیوند میان فناوری دیجیتال، اصلاح ساختارهای نهادی و توسعهٔ سرمایهٔ انسانی، شرط لازم برای گذار از مدیریت سنتی به حکمرانی هوشمند مرزی است. در غیاب چنین رویکردی، نوآوری به مفهومی انتزاعی محدود می‌شود و توان اثرگذاری آن در زیست‌بوم کارآفرینانه کاهش می‌یابد. به استناد یافته‌های پژوهش، فناوری اطلاعات به‌عنوان پیش‌شرط تحقق نوآوری و بهبود مدیریت مطرح شد. یکی از فعالان گمرکی اظهار کرد: «اگر سامانه‌های دیجیتال و پنجرهٔ واحد تجارت به‌درستی پیاده‌سازی شوند، بخش بزرگی از مشکلات ما با دستگاه‌های اجرایی حل خواهد شد». این بیان اهمیت مدیریت دیجیتال را برجسته می‌کند. ضعف فعلی سامانه‌های الکترونیکی گمرک، کندی عملیات و انجام مراحل به‌صورت دستی، باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی شده است. به کارگیری فناوری‌های دیجیتال می‌تواند علاوه بر افزایش سرعت

و دقت، زمینه‌ساز شفافیت اقتصادی و کاهش هزینه‌های معامله در مرز باشد. یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بر جنبهٔ ارتباطی فناوری تأکید کرده و اظهار داشت: «برداشتن محدودیت‌های فیلترینگ، حداقل برای اشخاصی که در مرز فعالیت می‌کنند، یک امر نوآورانه و بسیار مهم است». این دیدگاه، نشان‌دهندهٔ درک عمیق از نقش آزادی اطلاعات و ارتباطات در جذب سرمایه‌گذار و توسعهٔ تجارت در عصر دیجیتال است. با توجه به رواج بالای شبکه‌های اجتماعی و تجارت الکترونیکی در عراق، توسعهٔ زیرساخت‌های فناوری در سمت ایران برای حفظ تعامل اقتصادی، اهمیت حیاتی دارد. مفهوم نوآوری در پایانه مهران فقط به حوزهٔ تجاری محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل توسعهٔ مدل‌های جدید در گردشگری، آموزش و تعامل اجتماعی نیز هست. شرکت‌کنندگان تأکید داشتند که معرفی هوشمندانهٔ محیط‌های گردشگری و درمانی استان ایلام، می‌تواند باعث ماندگاری بیشتر مسافران عراقی و افزایش هزینه‌کرد آنان شود. به‌ویژه تأمین امنیت رفتاری و اطمینان‌بخشی در خدمات اقامتی و پزشکی یکی از عوامل کلیدی جذب مسافر عنوان شده است. ایجاد فضاهای قابل اعتماد، مانع بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه یا «کلاهبرداری‌های مرزی» می‌شود و تصویر مثبتی از منطقه ارائه می‌دهد. از نظر آموزشی، نوآوری در محتوای دوره‌ها و شیوه‌های آموزش فعالان محلی نیز از نقاط مورد تأکید است. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت در زمینهٔ مدیریت صادرات، بازاریابی بین‌مرزی، زبان عربی و قوانین تجارت بین‌الملل می‌تواند نگرش جامعه را نسبت به کارآفرینی دگرگون سازد. همان‌گونه که پیش‌تر در یافته‌های بخش آموزش منابع انسانی نیز اشاره شد، پیوند بین دانشگاه، دولت و صنعت باید تقویت شود تا راه‌حل‌های پژوهشی قابل اجرا وارد حوزهٔ عمل گردد. پدیدارشناسی داده‌ها نشان می‌دهد که در ادراک فعالان اقتصادی، مفهوم «نوآوری» هنوز انتزاعی است و به‌طور واقعی با ساختارهای اداری، مالی و فرهنگی منطقه گره نخورده است. تجربهٔ زیستهٔ آن‌ها نشان می‌دهد که نوآوری فقط در حرف پذیرفته شده، اما در عمل، وابستگی به روش‌های سنتی تجارت و مدیریت دستی فرآیندها بر تصمیم‌گیری‌ها حاکم است. نبود زیرساخت ارتباطی و ضعف هماهنگی نهادی بین نهادهای مرزی و دانشگاه‌ها، این شکاف را بازتولید می‌کند.

مقوله هشتم: امنیت

(الف) امنیت

یکی از مؤلفه‌های بنیادین زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، مقولهٔ «امنیت» است؛ مؤلفه‌ای که از طریق ایجاد ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و احساس اطمینان، بر استمرار فعالیت‌های اقتصادی، اعتماد فعالان مرزی، جذابیت سرمایه‌گذاری و پویایی زیست‌بوم کارآفرینانه اثر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه نیروهای نظامی و انتظامی همکاری مؤثری در تأمین ثبات منطقه‌ای دارند، اما نگرانی‌های دوره‌ای ناشی از تحولات سیاسی و منطقه‌ای، همچنان فضای روانی فعالان اقتصادی را متأثر می‌سازد و بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران سایه می‌افکند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت: «با وجود امنیت نسبی، هر بار که در منطقه یا کشور عراق ناآرامی اتفاق می‌افتد، فعالیت تجاری ما به حالت تعلیق درمی‌آید و سرمایه‌گذاران برای مدتی دچار تردید می‌شوند». این جمله بیانگر آن است که حتی تهدیدات غیرمستقیم سیاسی، می‌تواند با کاهش اعتماد اقتصادی، جریان سرمایه و فعالیت‌های کارآفرینانه را مختل سازد. در سطح مدیریتی، مسئلهٔ تعدد نهادهای مسئول و نبود فرماندهی واحد از مهم‌ترین چالش‌های سیستم امنیتی مرز مهران است. مرزبانی کنترل نوار امنیتی تا حاشیهٔ ۵۰ متری مرز را بر عهده دارد، اما تعامل میان دستگاه‌های گمرک، فرمانداری و نیروهای انتظامی همیشه منسجم نیست. یکی از کارشناسان مرزبانی اشاره می‌کند که: «در حال حاضر، کنترل قاچاق و تردد غیرمجاز به‌صورت پراکنده انجام می‌شود و نبود فرماندهی واحد باعث کندی در واکنش‌ها شده است». این وضعیت، ضمن افزایش فشار کاری بر نیروهای امنیتی، مانعی برای تصمیم‌گیری سریع در شرایط بحرانی به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، کنترل مرزی شامل طیفی از وظایف پیچیده همچون جلوگیری از ورود اتباع غیرمجاز، نظارت بر کالاها و مقابله با قاچاق است. اگرچه گزارش‌ها حاکی از پایین بودن حجم قاچاق در پایانه است، اما خطر عبور غیرقانونی، به‌ویژه در ایام اوج تردد مانند مراسم اربعین، نگرانی جدی محسوب می‌شود. یکی از مأموران مرزبانی بیان کرد: «ورود غیرقانونی معمولاً از سوی اتباع غیرمجاز مثل افغانی‌ها یا پاکستانی‌ها صورت می‌گیرد که در زمان‌های خلأ بین پاسگاه‌ها

تلاش می‌کنند وارد شوند». بر اساس داده‌های مصاحبه‌ها، احساس ناامنی (حتی اگر واقعی نباشد) به‌صورت مستقیم بر رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به گفتهٔ یکی از فعالان بخش خصوصی: «وقتی امنیت منطقه دچار تزلزل شود، حتی برای یک هفته، سرمایه‌گذاران دچار شک و تردید می‌شوند و تصمیم می‌گیرند دست نگه دارند». این دیدگاه، ادراک پدیدارشناختی از ناامنی را نشان می‌دهد: ناامنی نه‌تنها واقعیت بیرونی، بلکه تجربه‌ای ذهنی است که در نگرش و تصمیم سرمایه‌گذار بازنمایی می‌شود. چنین حالتی موجب کاهش سرمایه‌گذاری پایدار، افت روحیهٔ کارآفرینی بومی و گرایش به فعالیت‌های غیررسمی می‌شود. از منظر توسعهٔ منطقه‌ای، مشارکت‌کنندگان متفق‌القول بودند که بهبود زیرساخت‌های امنیتی شرط مقدم برای رونق مرز مهران است. یکی از مسئولان مرزبانی دراین‌باره خاطرنشان کرد: «در صورتی که امنیت به‌طور کامل برقرار شود، اعتماد مردم بالا می‌رود و کسب‌وکارها خودبه‌خود رشد خواهند کرد». در واقع، آرامش و اعتماد عمومی زمینه‌ساز جذب گردشگر، گسترش تجارت و احیای کارآفرینی اجتماعی در منطقه است. اگرچه کنترل خودروها و کامیون‌ها از سوی نیروهای مرزبانی انجام می‌شود، اما فقدان تجهیزات نوین بازرسی، کنترل کامل را دشوار ساخته است. نبود دستگاه‌های اشعهٔ ایکس ری، سامانه‌های هوشمند پلاک‌خوان و گیت‌های الکترونیکی، مشکلات جدی در ادارهٔ جریان ورودی و خروجی ایجاد می‌کند. یکی از کارشناسان عملیاتی به‌صراحت گفته است: «به‌دلیل نداشتن دستگاه‌های اشعهٔ ایکس ری، کنترل کامیون‌ها عملاً با چشم انجام می‌شود و این باعث کندی و افزایش احتمال خطا می‌گردد». این کمبودها نه‌تنها فرآیند امنیتی را پرهزینه‌تر کرده، بلکه موجب کاهش رضایت فعالان اقتصادی و طولانی شدن فرآیند ترخیص کالا نیز شده است. تحلیل پدیدارشناختی داده‌ها نشان می‌دهد که فعالان اقتصادی امنیت را نه‌تنها به‌عنوان یک «شرط لازم» برای فعالیت تجاری، بلکه به‌عنوان پایه‌ای برای اعتماد اجتماعی، جذب سرمایه و تداوم کارآفرینی مرزی درک می‌کنند. از منظر تجربهٔ زیستهٔ مشارکت‌کنندگان، سرمایه‌گذاری در فضای ناامن، به‌منزلهٔ ریسک از پیش شکست‌خورده است. لذا امنیت پایدار، زیرساخت فیزیکی و روانی شکل‌گیری زیست‌بوم کارآفرینانه محسوب می‌شود. در غیاب آن، حتی مناسب‌ترین سیاست‌های حمایتی یا مشوق‌های مالی نیز نمی‌توانند زمینه‌ساز پویایی اقتصادی باشند، زیرا نبود اطمینان، چرخهٔ تصمیم‌گیری اقتصادی را مختل می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر که با رویکرد کیفی پدیدارشناسی به واکاوی وضعیت کنونی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران پرداخته است، نشان می‌دهد که این زیست‌بوم، ساختاری چندبُعدی، پیچیده و وابسته به تعامل هم‌زمان مؤلفه‌های نهادی، فرهنگی، زیرساختی، انسانی، مالی، نوآورانه و امنیتی دارد. استخراج هشت مقولهٔ اصلی، مؤید این واقعیت است که کارآفرینی مرزی نه پدیده‌ای تک‌عاملی، بلکه نتیجهٔ کنش متقابل شبکه‌ای از بازیگران، قواعد و زمینه‌های فضایی است؛ امری که با دیدگاه‌های نظری اکوسیستمی آیزنبرگ (Isenberg, 2011)، فیورلینگر و همکاران (Fuerlinger et al., 2015)، اوستیگارد و مارینوا (Ostergaard & Marinova, 2018) و همچنین حیدری و همکاران (Heidari, 2020) هم‌راستا است که بر لزوم تقویت هم‌زمان تمامی ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی تأکید دارند.

- در بُعد «فرهنگ»، نتایج نشان داد که فرهنگ کار و فرهنگ میزبانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش جامعهٔ محلی نسبت به سرمایه‌گذاری، نوآوری و تعاملات فرامرزی ایفا می‌کنند. تأکید جامعهٔ محلی مهران بر اولویت اشتغال نیروهای بومی، در کنار پذیرش استفاده از نیروهای غیربومی در مشاغل تخصصی، نشان‌دهندهٔ نوعی واقع‌گرایی اجتماعی است که در صورت سیاست‌گذاری هوشمندانه، می‌تواند به سرمایهٔ اجتماعی مولد تبدیل شود. با این حال، ضعف فرهنگ میزبانی و رفتارهای نامناسب در تعامل با مسافران عراقی، تصویر ذهنی مرز را مخدوش کرده و کارکرد آن را به‌عنوان پیشران توسعه تضعیف نموده است. این یافته با نتایج امیدی (Omidi, 2022) و سلطانیان و مفاخر باشماق (Soltanyan & Mafakheri Bashmagh, 2020) همسو است که عوامل فرهنگی و اجتماعی را از موانع اصلی توسعه فعالیت‌های اقتصادی

و تعاونی در مناطق مرزی معرفی می‌کنند. از این‌رو، تقویت فرهنگ کارآفرینی و میزبانی در کنار آموزش‌های اجتماعی، شرط لازم برای تبدیل سرمایه اجتماعی موجود به ظرفیتی مولد در توسعه اقتصادی مرز مهران است.

- مقولهٔ «هم‌افزایی و هماهنگی نهادی» یکی از چالش‌برانگیزترین ابعاد زیست‌بوم کارآفرینانهٔ مهران را آشکار می‌سازد. یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم حضور نهادهای متعدد، فقدان فرماندهی واحد، ضعف شبکه‌سازی نهادمند، تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و ناهماهنگی اطلاعاتی، موجب فرسایش فرآیندهای اقتصادی و افزایش هزینه‌های مبادله شده است. این وضعیت با نتایج محمدی (Mohammadi, 2022)، بیگی و امیری (Beigi & Amiri, 2017) و جان‌پرور (Janparvar, 2017) هم‌راستا است که نارسایی‌های مدیریتی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری را عامل اصلی ناکارآمدی بازارچه‌ها و مرزهای اقتصادی ایران می‌دانند. همچنین یافته‌های پیس و همکاران (Pysz et al., 2018) نیز نشان می‌دهد که موفقیت اتحادهای مرزی مستلزم اهداف شفاف، مشارکت واقعی ذی‌نفعان و انسجام نهادی است؛ شرایطی که در پایانه مهران هنوز به‌صورت کامل محقق نشده است؛ بنابراین، ایجاد سازوکار رسمی و منظم برای هماهنگی بین‌نهادی و استقرار فرماندهی واحد در مرز، برای جلوگیری از فرسایش فرآیندها و افزایش کارایی زیست‌بوم کارآفرینانه ضروری است.
- در بُعد «زیرساخت»، نتایج پژوهش بیانگر شکاف عمیق میان حجم واقعی فعالیت‌های تجاری و غیرتجاری با ظرفیت زیرساخت‌های فیزیکی، اداری و دیجیتال پایانه مرزی مهران است. کمبود شدید فضا، ضعف زیرساخت‌های رفاهی، ناپایداری سامانه‌های دیجیتال گمرک و کمبود تجهیزات کنترلی، نه‌تنها کارایی عملیاتی مرز را کاهش داده، بلکه امنیت، سلامت نیروی کار و جذابیت سرمایه‌گذاری را نیز تضعیف کرده است. این یافته با نتایج سانتا آنا و جلیفسکی (Sant'Anna & Jelihovschi, 2021)، یوان و همکاران (Yuan et al., 2021) و همچنین محمدی (Mohammadi, 2022) و مهدوی و رحمانی (Mahdavi & Rahmani, 2022) همخوانی دارد که مکان‌گزینی نامناسب و ضعف زیرساخت را از موانع بنیادین توسعه پایدار مناطق مرزی معرفی کرده‌اند. به‌طور کلی، پایانه مرزی مهران با وجود ظرفیت‌های بالای تجاری و اشتغال‌زایی، به‌دلیل ضعف زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتال و اداری و همچنین نارسایی در هماهنگی نهادی، قادر به ایفای نقش مطلوب خود در زیست‌بوم کارآفرینانه منطقه نیست. از این‌رو، بهبود این وضعیت مستلزم سرمایه‌گذاری هدفمند، توسعه زیرساخت‌های پایه، تقویت فناوری‌های دیجیتال و بازآرایی نظام مدیریتی و بین‌سازمانی است تا زمینه بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های اقتصادی این مرز فراهم شود.
- تحلیل مقولهٔ «حکمرانی» نشان داد که گرچه چارچوب‌های قانونی مرزی از انسجام نسبی برخوردارند، اما غلبهٔ رویکرد امنیت‌محور، بوروکراسی طولانی، بی‌ثباتی مقررات و ضعف اجرا، فضای پیش‌بینی‌پذیر لازم برای کارآفرینی را تضعیف کرده است. این یافته‌ها با نتایج زمانی و همکاران (Zamani et al., 2021)، محمدی و ثانی‌حیدری (Mohammadi & Sani Heidary, 2020) و همچنین رفیعیان و شیخ‌ویسی (Rafiean & Sheikhveisi, 2023) هم‌راستا است که امنیت سرمایه‌گذاری، شیوهٔ مدیریت و کیفیت نهادی را از پیشران‌های اصلی توسعه مناطق مرزی می‌دانند. در سطح سیاستی، این نتایج مؤید دیدگاه انتظاری (Entezari, 2018) و آیزنبرگ (Isenberg, 2011) است که بهبود کارایی حکمرانی و کاهش مداخلات ناکارآمد دولت را پیش‌شرط توسعه اکوسیستم‌های کارآفرینی می‌دانند. از این‌رو، حرکت از حکمرانی امنیت‌محور و کوتاه‌مدت به سمت حکمرانی پایدار، شفاف و تسهیل‌گر کسب‌وکار، پیش‌شرط شکوفایی کارآفرینی در پایانه مرزی مهران است.
- در بُعد «سرمایهٔ انسانی»، یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود نیروی انسانی بومی مستعد، ضعف آموزش‌های تخصصی، نبود امنیت شغلی، بی‌عدالتی در استخدام و فقدان پوشش بیمه‌ای، مانع بالفعل‌شدن این ظرفیت شده است. این نتایج با یافته‌های اوستیگارد و مارینوا (Ostergaard & Marinova, 2018)، عباسی‌نامی (Abasi Nami, 2021) و همچنین رفیعیان و شیخ‌ویسی (Rafiean & Sheikhveisi, 2023) همخوانی دارد که سطح سواد، نقش دانشگاه‌ها و کیفیت نیروی

انسانی بومی را از پیشران‌های کلیدی توسعه مرزی می‌دانند. تقویت پیوند دانشگاه، صنعت و دولت، مطابق با نتایج زرین‌جویی و همکاران (Zarinjooee et al., 2020) و آندریانی و همکاران (Andriany et al., 2023)، می‌تواند شکاف مهارتی موجود را کاهش داده و ظرفیت نوآفرینی منطقه را فعال سازد؛ بنابراین، ایجاد پیوند پایدار میان دانشگاه، صنعت و دولت، همراه با آموزش‌های مهارتی و تأمین امنیت شغلی، می‌تواند ظرفیت بالقوه سرمایه انسانی بومی را به نیروی محرکه توسعه کارآفرینی تبدیل کند.

- در حوزهٔ «سرمایهٔ مالی»، پژوهش نشان داد که نرخ بالای تسهیلات بانکی، نبود مشوق‌های مؤثر، بی‌ثباتی مرز و دشواری دسترسی به زمین، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده و مشارکت سرمایه‌گذاران بومی را محدود کرده است. این یافته با نتایج نژادطاهری و همکاران (Nejad Taheri et al., 2021) و سلطانیان و مفاخر باشماق (Soltanyan & Mafakheri Bashmagh, 2020) هم‌راستا است که نشان می‌دهند اثر مثبت مبادلات مرزی بر توسعه اقتصادی، بدون دسترسی به سرمایه و ثبات نهادی، به‌طور کامل محقق نمی‌شود. از این‌رو، طراحی نظام تأمین مالی متناسب با ریسک‌های فعالیت‌های مرزی، همراه با کاهش بروکراسی و ایجاد ثبات برای سرمایه‌گذاران، گامی ضروری برای بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی بازار عراق است.
- در بُعد «نوآوری»، نتایج حاکی از آن است که نوآوری در پایانه مرزی مهران بیشتر در سطح گفتمان باقی مانده و هنوز به ساختارهای اجرایی، فناورانه و آموزشی نفوذ نکرده است. این وضعیت با یافته‌های محمدزاده و همکاران (Mohammadzadeh et al., 2020)، انتظاری و محجوب (Entezari & Mahjub, 2020) و نیز چن و همکاران (Chen et al., 2018) در چارچوب اهداف توسعه پایدار همخوانی دارد که بر نقش فناوری، آموزش و مشارکت نهادی در توانمندسازی اقتصادی مناطق حاشیه‌ای تأکید می‌کنند. بنابراین، توسعه زیست‌بوم کارآفرینانه مهران نیازمند رویکردی ترکیبی است که در آن نوآوری، فناوری دیجیتال، آموزش تخصصی و تعامل دانشگاه با بخش خصوصی در قالب سیاست‌های پایدار جای گیرد. چنین رویکردی می‌تواند پایانه مرزی مهران را از یک مرکز سنتی ترانزیت کالا به هابی برای نوآوری، صادرات و خدمات دانش‌بنیان مرزی تبدیل کند.
- در نهایت، مقولهٔ «امنیت» به‌عنوان زیربنای روانی و نهادی زیست‌بوم کارآفرینانه، نقشی محوری در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی ایفا می‌کند. امنیت و توسعه در آمایش مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به‌عبارت دیگر، توسعه را در مناطق مرزی نمی‌توان تحقق بخشید مگر اینکه امنیت را در آنجا برقرار کرد و بالعکس، امنیت را نمی‌توان در مناطق مرزی محقق ساخت، مگر اینکه این مناطق توسعه پیدا کنند (Hashemi & Nosrati, 2022). یافته‌های پژوهش نشان داد که اگرچه امنیت فیزیکی نسبی برقرار است، اما ادراک ناامنی ناشی از تحولات منطقه‌ای، نبود فرماندهی واحد و کمبود تجهیزات هوشمند کنترلی، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کند. این یافته‌ها با نتایج حسین‌بر و انوری (Hosseinbor & Anvari, 2023)، زالی و همکاران (Zali et al., 2021) و احمدرش (Ahmadresh, 2020) هم‌راستا است که امنیت پایدار را شرط مقدم توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی می‌دانند؛ بنابراین، امنیت پایدار نه تنها شرط لازم، بلکه زیرساخت روانی و نهادی شکل‌گیری اعتماد، جذب سرمایه و تداوم کارآفرینی مرزی محسوب می‌شود و تقویت آن باید در رأس سیاست‌های توسعه‌ای قرار گیرد.

در جمع‌بندی نهایی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌بوم کارآفرینانهٔ پایانه مرزی مهران، علی‌رغم برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی، فرهنگی و بازار فرامرزی، به‌دلیل ضعف حکمرانی یکپارچه، نارسایی زیرساخت‌ها، عدم توسعهٔ سرمایهٔ انسانی و مالی و فقدان نوآوری نهادمند، در وضعیت بهره‌برداری ناقص از ظرفیت‌ها قرار دارد. از این‌رو، گذار پایانه مهران از یک مرز سنتی ترانزیتی به یک هاب کارآفرینی، نوآوری و توسعه پایدار مرزی مستلزم اتخاذ رویکرد اکوسیستمی، تقویت امنیت پایدار، بازآرایی حکمرانی مرزی، توسعهٔ زیرساخت‌های هوشمند، توانمندسازی نیروی انسانی بومی و نهادینه‌سازی نوآوری در تعامل دانشگاه، دولت و بخش خصوصی است. در این راستا، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- استقرار نظام حکمرانی یکپارچه و فرماندهی واحد مرزی: پیشنهاد می‌شود ساختاری رسمی و دائمی تحت عنوان «شورای حکمرانی زیست‌بوم کارآفرینانهٔ مرز مهران» با مشارکت نهادهای گمرک، مرزبانی، استانداری، شهرداری، بخش خصوصی و نمایندگان محلی تشکیل شود. این شورا باید مسئول هماهنگی سیاست‌ها، جلوگیری از تصمیمات مقطعی و ایجاد ثبات مقرراتی باشد. نتایج پژوهش نشان داد که نبود انسجام نهادی، یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه کارآفرینی مرزی است؛ بنابراین حرکت از حکمرانی جزیره‌ای به حکمرانی شبکه‌ای، یک ضرورت راهبردی محسوب می‌شود.
- بازتعریف رویکرد امنیتی از «کنترل‌محور» به «توسعه‌محور»: با توجه به اینکه امنیت شرط لازم اما ناکافی برای توسعهٔ زیست‌بوم کارآفرینانه شناسایی شد، پیشنهاد می‌شود رویکردهای امنیتی موجود به سمت امنیت تسهیل‌گر کسب‌وکار بازطراحی شوند. این امر می‌تواند از طریق آموزش نیروهای اجرایی مرزی، کاهش رویه‌های سخت‌گیرانهٔ غیرضروری و افزایش پیش‌بینی‌پذیری در تصمیمات اجرایی محقق شود تا احساس امنیت ادراکی سرمایه‌گذاران و کارآفرینان تقویت گردد.
- سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال مرزی: بر اساس یافته‌ها، شکاف میان نقش ژئوپلیتیکی مرز مهران و زیرساخت‌های موجود، یکی از موانع اصلی توسعهٔ کارآفرینی است. پیشنهاد می‌شود توسعهٔ زیرساخت‌ها با اولویت ایجاد پنجرهٔ واحد تجارت، دیجیتالی‌سازی فرآیندهای گمرکی، بهبود شبکهٔ حمل‌ونقل، فضاهای لجستیکی و خدمات رفاهی کارآفرینان و زائران در دستور کار قرار گیرد. این اقدام می‌تواند هزینه‌های مبادله را کاهش داده و جذابیت سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.
- تقویت سرمایهٔ انسانی بومی از طریق آموزش‌های مهارتی و کاربردی: یافته‌های پژوهش نشان داد که ضعف آموزش‌های تخصصی، نبود امنیت شغلی و بی‌عدالتی در استخدام نیروهای بومی، از موانع اصلی شکوفایی سرمایه انسانی در پایانه مرزی مهران است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی تخصصی متناسب با نیازهای واقعی کسب‌وکارهای مرزی (تجارت فرامرزی، لجستیک، صادرات، بازاریابی بین‌المللی، زبان عربی و مهارت‌های دیجیتال) برای نیروهای بومی طراحی و اجرا شود. پیوند ساختاری میان دانشگاه‌ها، مراکز فنی‌وحرفه‌ای و فعالان اقتصادی مرزی می‌تواند به تبدیل ظرفیت بالقوه سرمایه انسانی به ظرفیت بالفعل کمک کند و مانع مهاجرت نیروی کار توانمند گردد.
- طراحی نظام تأمین مالی متناسب با ریسک‌های فعالیت‌های مرزی: با توجه به ناسازگاری نظام مالی فعلی با ماهیت فعالیت‌های مرزی، پیشنهاد می‌شود ابزارهای مالی ویژه‌ای مانند تسهیلات کم‌بهره، صندوق‌های ضمانت مرزی، مشوق‌های مالیاتی و حمایت‌های بیمه‌ای برای کسب‌وکارهای مرزی طراحی شود. این اقدام می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش داده و مشارکت بخش خصوصی و کارآفرینان محلی را افزایش دهد.
- نهادینه‌سازی نوآوری و حرکت به سمت تجارت هوشمند مرزی: یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که نوآوری در پایانه مرزی مهران بیشتر در سطح گفتمان باقی مانده و هنوز به ساختارهای اجرایی، فناورانه و آموزشی نفوذ نکرده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود نوآوری از سطح شعار و گفتمان به سطح ساختاری منتقل شود. ایجاد مراکز نوآوری مرزی، حمایت از استارتاپ‌های صادرات‌محور، توسعه پلتفرم‌های دیجیتال تجارت مرزی و ترویج فناوری‌های نوین در لجستیک و گمرک، می‌تواند زیست‌بوم کارآفرینانه مهران را از الگوهای سنتی فاصله داده و رقابت‌پذیری آن را در سطح منطقه‌ای افزایش دهد.
- تقویت فرهنگ کارآفرینی و میزبانی در جامعهٔ محلی: با توجه به نقش دوگانهٔ فرهنگ به‌عنوان عامل تسهیل‌گر و بازدارنده، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های فرهنگ‌سازی، آموزش عمومی و ارتقای مهارت‌های ارتباطی برای ساکنان محلی و فعالان خدماتی اجرا شود. ارتقای فرهنگ میزبانی، تعامل سازنده با زائران و تجار خارجی و تقویت حس تعلق محلی، می‌تواند سرمایهٔ اجتماعی و اعتماد متقابل را افزایش داده و زمینهٔ توسعهٔ پایدار را فراهم کند.
- حرکت از نقش ترانزیتی به هاب کارآفرینی و خدمات صادرات‌محور: با توجه به ظرفیت‌های استفاده‌نشده مرز مهران در حوزه تجارت فرامرزی و صادرات، و نیز یافته‌های پژوهش مبنی بر غلبه رویکرد سنتی ترانزیتی بر کارکردهای کارآفرینانه این

پایانه، پیشنهاد می‌شود نقش پایانه مرزی مهران از یک گذرگاه صرفاً ترانزیتی به یک «هاب کارآفرینی مرزی» بازتعریف شود. این بازتعریف مستلزم توسعه زنجیره ارزش، ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار مرزی، حمایت از خدمات پشتیبان صادرات و بهره‌گیری از مزیت همجواری با بازار عراق است. چنین رویکردی می‌تواند مرز مهران را به کانون اشتغال‌زایی، نوآوری و توسعه پایدار منطقه‌ای تبدیل کند.

سپاس‌گزاری

این پژوهش تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۳۰۵۸۵» انجام شده است. نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی خود را از این حمایت اعلام می‌دارند.

References

Abasi Nami, H. (2021). The impact of entrepreneurship on the economic growth of MENA countries. *Applied Theories of Economics*, 8 (1), 215–240. https://doi.org/10.22034/ecoj.2021.42199.2735 [In Persian]

Ahmadresh, R. (2020). Multifunctional tourism and the issue of sustainable development in border areas (A case study: Piranshahr border county). *Border Studies Research Journal*, 8 (4), 81-97. http://bss.jrl.police.ir/article_95645.html [In Persian]

Ajarloo, F., Rashidi, H., Aghaei, M., & Vaziifeh Khah, S. (2018). The impact of Mehran border market on the economic development of Ilam Province. *Border Science and Technology Quarterly*, 7 (4), 173-196. http://bst.jrl.police.ir/article_20310.html [In Persian]

Akbarpour, M., Ebadinejad, S. A., & Kordi, Z. (2019). The impact of Tamarchin border markets on the economic and social development of rural areas (Case study: West Azerbaijan Province). *Journal of Border Science and Technology*, 8 (1), 163-191. https://sid.ir/paper/409958/en [In Persian]

Alvedalen, J., & Boschma, R. (2017). A critical review of entrepreneurial ecosystems research: towards a future research agenda. *European Planning Studies*, 25 (6), 887-903. https://doi.org/10.1080/09654313.2017.1299694

Amolo, J., & Migiro, S. O. (2015). An entrepreneurial flair development: The role of an ecosystem. *Problems and Perspectives in Management*, 13 (2), 495-505. https://www.businessperspectives.org/index.php/journals/problems-and-perspectives-in-management/issue-2-spec-issue-2/an-entrepreneurial-flair-development-the-role-of-an-ecosystem

Andriany, D., Arda, M., Bismala, L., & Rahmadana, M. F. (2023). Factor analysis of entrepreneurship ecosystem to develop comprehensive entrepreneurship skills. *International Journal of Professional Business Review*, 8 (11), 1–25. https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i11.3571

Autio, E., Kenney, M., Mustar, P., Siegel, D., & Wright, M. (2014). Entrepreneurial innovation: The importance of contextErkko. *Research Policy*. 43, 1097-1108. https://doi.org/10.1016/j.respol.2014.01.015

Barati, A., Yavari, E., & Sharif, H. (2017). Identification of priority indicators for assessment of entrepreneurship ecosystems for implementation in Iran. *Iranian Journal of Management Sciences*, 12 (45), 41–60. https://doi.org/10.52547/jstpi.21020.18.70.12 [In Persian]

Bayat, F., Mohammadi, R., & Gazmeh, A. (2016). Investigating the role of border markets in security, employment, and development of border regions (Case study: Milak border market, Zabol). *Journal of Border Studies*, 4 (3), 79–101. http://bss.jrl.police.ir/article_17534.html [In Persian]

Beigi, K., & Amiri, V. (2017). Investigating the role and extent of the impact of border markets on improving the social status of residents in border regions (Case study: Parvizkhan border market, Kermanshah Province). In *Proceedings of the International Conference on Challenges and Solutions of Management and Economic Development*. https://civilica.com/doc/631713/ [In Persian]

Chen, J., Wan, Z., Zhang, F., Park, N., Zheng, A., & Zhao, J. (2018). Evaluation and comparison of the development performances of typical free trade port zones in China. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 118, 506–526 https://doi.org/10.1016/j.tra.2018.09.009

Davari, A., Sefidbari, L., & Baghersad, V. (2017). The factors of entrepreneurial ecosystem in Iran based on Isenberg's model. *Journal of Entrepreneurship Development*, 10 (1), 101–120. https://doi.org/10.22059/jed.2017.62306 [In Persian]

DeVita, L., Mari, M., & Poggesi, S. (2014). Women entrepreneurs in and from developing countries: Evidence from the literature. *European Management Journal*, 32 (3), 451–460. https://doi.org/10.1016/j.emj.2013.07.009

Entezari, Y. (2018). Innovative entrepreneurship ecosystem: General patterns and its lessons for Iran. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11 (1), 21–40. https://doi.org/10.22059/jed.2018.255394.652556 [In Persian]

Entezari, Y., & Mahjub Eshratabadi, H. (2020). Structural analysis of the national innovation ecosystem: Utilizing global data for Iranian policy making. *Innovation Management in Defense Organizations*, 3 (1), 87–118. https://sid.ir/paper/401870/en [In Persian]

Estevão, J., Dias Lopes, J. & Penela, D. (2020). The doing business ranking and the design of public policies: the effect of regional dynamics, Economic Research- Ekonomska Istraživanja. https://doi.org/10.1080/1331677X.2020.1831942

Farazmand, T., AliAhmadi, A., & Asadi Davoudabadi, M. (2019). The role of border markets in the economic, social, and cultural development of western provinces of Iran (Case study: Mehran border). *Iranian Political Sociology Monthly*, 2 (4), 1058–1077. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1884406/ [In Persian]

Fernández, M. T., Blanco Jiménez, F. J., & Cuadrado Roura, J. R. (2015). Business Incubation: Innovative Services in an Entrepreneurship Ecosystem, *The Service Industries Journal*, 35 (14), 783-800. https://doi.org/10.1080/02642069.2015.1080243

Folke, C., Hahn, T., Olsson, P., & Norberg, J. (2005). Adaptive governance of social-ecological systems. *Annual Review of Environment and Resources*, 30, 441-473. DOI: https://doi.org/10.1146/annurev.energy.30.050504.144511

Fuerlinger, G., Fandl, U., & Funke, T. (2015). *The Role of the State in the Entrepreneurship Ecosystem: Insights from Germany*, *Triple Helix*. 2 (1), 1-26. https://doi.org/10.1186/s40604-014-0015-9

Ghadimi, M., Solimani, M., Mosavian, S. S., & Yakhchali, M. (2023). Dimensions, challenges and strategies for the development of border areas. *Journal of Economics and Regional Development*, 30 (25), 291–315. https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113 [In Persian]

Ghambarali, R., Agahi, H., Alibeigi, A., & Zarafshani, K. (2015). Entrepreneurship Ecosystem Strategy: A New Paradigm for Entrepreneurship Development. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 1 (3), 21-38. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24767735.1393.1.3.2.1 [In Persian]

Hashemi, S. M., & Nosrati, H. (2022). Explaining the relationship between development and security in border regions (Case study: Baneh border region). *Quarterly Journal of Defense Logistics and Technology*, 5 (1), 149–174. https://dorl.net/dor/20.1001.1.28212606.1401.5.13.6.4 [In Persian]

Hazuda, M., Gotra, V., & Hazuda, L. (2016). *Advancing the convergence and integration of rural border areas. Economic Annals*. 162 (11–12), 18–21. https://doi.org/10.21003/ea.V162-04

Heidari, M., Badizadeh, A., & Heidarzadeh, K. (2020). Designing an entrepreneurial ecosystem development model in border areas: A study on Kurdistan Province. *Iranian Journal of Management Sciences*, 15 (57), 29-59. https://sid.ir/paper/369432/en [In Persian]

Hettne, B. (2013). *Development theory and the three worlds* (S. A. Movathaghi, Trans.; 3rd ed.). Tehran: Ghoms Publishing. https://chapakhsh.com/34128/ [In Persian]

Hosseinbor, K., & Anvari, M. R. (2023). Identify priorities and sustainable development capabilities of border areas (Case study: Gosht city). *Regional Planning*, 13 (1), 191–204. https://doi.org/10.30495/jzpm.2021.25402.3685 [In Persian]

Isenberg, D. (2011). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship (Presentation). *Institute of International and European Affairs*, Dublin Ireland. Available on line at: http://entrepreneurial-revolution.com/

Isenberg, D. J. (2010). How to start an entrepreneurial revolution, *Harvard Business Revie*, 88(6), 40-*50*. http://www.hbr.org/

Janparvar, M. (2017). Integrated border management strategy: A step towards effective management of borders of Islamic Republic of Iran. *Research Political Geography Quarterly*, 1 (4), 93–114. https://doi.org/10.22067/pg.v1i4.58971 [In Persian]

Khattab, I., & Almagli, O. O. (2017). Towards an integrated model of entrepreneurship ecosystem. *Journal of Business & Economic Policy*, 4 (4), 33-51. https://jbep.thebrpi.org/journals/

Kordnaeej, A., Zali, M. R., & Bahamin, M. (2014). Structural Strategies for Entrepreneurship Development in Iran. *Journal of Entrepreneurship*, 6 (2), 95-114. https://doi.org/10.22059/jed.2013.36261 [In Persian]

Laine, J. (2006). *Perceptions toward the opening of the Finnish–Russian border: Border as a barrier among actors involved* (Master's thesis). University of Joensuu, Department of Geography. https://erepo.uef.fi/server/api/core/bitstreams/e0c18a4a-1a68-45a9-9a9d-f6548e8f6023/content

Lux, A. A., Macau, F. R. & Brown, K. A. (2020). Putting the entrepreneur back into entrepreneurial ecosystems, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 26 (5), 1011-1041. https://doi.org/10.1108/IJEBR-01-2020-0031

Mahdavi, E., & Rahmani, B. (2022). Developing a strategy to improve the economy of border cities using the SWOT model (A case study of Qasr Shirin). *Environmental Based Territorial Planning (Amayesh)*, 15 (56), 109-126. https://sid.ir/paper/963770/en [In Persian]

Mason, C., & Brown, R. (2014). *Entrepreneurial Ecosystems and Growth Oriented Entrepreneurship*. Background Paper Prepared for the Workshop Organised by the OECD LEED Programme and the Dutch Ministry of Economic Affairs on; The Hague, Netherlands. 1-29. http://www.oecd.org/cfe/leed/Entrepreneurial-ecosystems.pdf

Meigounpoory, M., Arabiun, A., Poorbasir, M., & Mobini Dehkordi, A. (2019). Entrepreneurial university campus ecosystem (EUCE) design with interpretive structural modelling. *Technology of Education Journal*, 13 (4), 969-980. https://doi.org/10.22061/jte.2019.3694.1921 [In Persian]

Mohammadi, H. R., & Fakhr Fatimi, A. A. (2005). The role of frontier markets in spatial development and stability of boundary areas (Case: Badjghiran frontier market). *Geopolitics Quarterly*, 1 (1), 55-76. https://www.sid.ir/paper/116122/fa [In Persian]

Mohammadi, H., & Sani Heidary, A. (2020). Investigating the interaction of entrepreneurship and economic growth with emphasis on institutional quality in OECD and OPEC countries. *Journal of Economics and Regional Development*, 27 (19), 49-82. https://doi.org/10.22067/erd.2020.39490 [In Persian]

Mohammadi, R., Karkaabadi, Z., & Miri, G. R. (2022). Explaining the interactions of city and border with the sustainable development approach based on the logic of fuzzy multi-criteria decision making: Case study of Zahedan, Mirjaveh, Dost Mohammad, Khash, and Saravan border towns, Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Geographical Sciences*, 23 (64), 247–268. https://doi.org/10.52547/jgs.22.64.247 [In Persian]

Mohammadi, S. (2022). The Analysis of Effective Factors on the Poor Performance of Border Markets in Socio-Economic Development of Villages around Bashmaq Border Case Study: Border Villages of Marivan County. *Geographical planning of space quarterly journal*, 12 (2), 151–174. https://doi.org/10.30488/gps.2021.245622.3296 [In Persian]

Mohammadzadeh, P., Khangaldizadeh, S., & Kamangar, S. (2020). The impact of innovation and entrepreneurship on economic growth: An intercountry study. *Iranian Journal of Economic Research*, 25 (82), 121–148. https://doi.org/10.22054/ijer.2020.11912 [In Persian]

Moore, J. F. (1993). Predators and prey: A new ecology of competition. Harvard Business Review, 71(3), 75–86. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/10126156/

Moore, J. F. (1996). The death of competition: Leadership and strategy in the age of business ecosystems. New York, NY: HarperCollins. https://www.amazon.com/Death-Competition-Leadership-Strategy-Ecosystems/dp/0887308503

Moraczewska, A. (2010). The changing interpretation of border functions in international relations. *Revista Română de Geografie Politică*, 12 (2), 329-340. https://rrgp.uoradea.ro/art/2010-2/11_RRGP-202-Moraczewska.pdf

Motoyama, Y., & Watkins, K. (2014). *Examining the connections within the startup ecosystem: A case study of St. Louis (Kauffman Foundation Research Series on City, Metro, and Regional Entrepreneurship)*. Kansas City, MO: Kauffman Foundation. https://www.kauffman.org/wp-content/uploads/2019/12/examining_the_connections_within_the_startup_ecosystem.pdf

Nazarov, M., Butryumva, N., & Sidorov, D. (2015). Development of technology entrepreneurship in a transition economy: An example of the Russian region with high scientific potential. *Entrepreneurship*, 89-104. https://hrcak.srce.hr/file/276197

Nejad Taheri, A., Karshenasan, A., & Mohammadi, M. (2021). Evaluation and analyzing entrepreneurial ecosystem and business environment of Iran provinces by PFB approach. *Journal of Economics and Regional Development*, 27 (20), 101-127. https://doi.org/10.22067/erd.2021.18839.0 [In Persian]

Niebuhr, A., & Stiller, S. (2002). *Integration effects in border regions: A survey of economic theory and empirical studies*. Hamburg Institute of International Economics (HWWA). https://www-sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa02/cd-rom/papers/066.pdf

Nylund, P. A., & Cohen, B. (2017). Collision density: Driving growth in urban entrepreneurial ecosystems. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 13 (3), 757-776. https://doi.org/10.1007/s11365-016-0424-

Omidi, N. (2022). Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach. *Village and Space Sustainable Development*, 3 (2), 89-104. https://doi.org/10.22077/vssd.2022.5199.1096 [In Persian]

Omidi, N. (2024). Identifying barriers to the development of rural businesses with a resident retention approach (Case study: Border villages of Ilam Province). *Journal of Geographical Engineering of Territory*, 7 (4), 779-792. https://doi.org/10.22034/jget.2024.156699 [In Persian]

Ostergaard, A., & Marinova, S. T. (2018). Human capital in the entrepreneurship ecosystem. International *Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 35 (3), 371-390. https://doi.org/10.1504/IJESB.2018.10010394

Pandit, N. R. (1996). The creation of theory: A recent application of grounded theory. *The qualitative report*, 2 (4), 143-157. http://www.nova.edu/ssss/QR/QR2-4/pandit.html

Pena, S. (2005). Recent development in urban marginality along Mexico's northern border. *Habitat International*. 29, 258–301. https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2003.10.002

Perkmann, M. (2003). Cross-border regions in Europe: Significance and drivers of regional cross-border cooperation. *European Urban and Regional Studies*, 10 (2), 153-171. https://doi.org/10.1177/0969776403010002004

Pysz, J., Castanho, R. A., & Loures, L. (2018). Sustainable planning of cross-border cooperation: A strategy for alliances in border cities. *Sustainability*, 10 (5). https://doi.org/10.3390/su10051416

Rafiean, M., & Sheikhveisi, M. M. (2023). Analysis and identification of drivers and factors affecting the development of border areas with a futurology approach (Case study: Sistan and Baluchistan Province). *Journal of Border Science and Technology*, 12 (2), 112–129. http://bst.jrl.police.ir/article_101286_79e68b14d7c300b49f43f9851b598428.pdf [In Persian]

Rashidi, H., & Azar, G. (2019). The impact of Chilat border market on improving the status of Dehloran region. *Border Science and Technology Quarterly*, 8 (3), 67-93 https://doi.org/DOR:20.1001.1.25384090.1398.8.4.4.1 [In Persian]

Regele, M. D., & Neck, H. M. (2012). *The Entrepreneurship Education Subecosystem in the United States: Opportunities to Increase Entrepreneurial Activity*, *Business and Entrepreneurship*, 23 (2), 25-47. https://www.proquest.com/docview/1012583521?sourcetype=Scholarly%20Journals

Rostamalizadeh, V., & Hosseini, G. (2019). Barriers to Investment and Business in Iran's Rural Border Areas. *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 11 (2), 361-386. https://doi.org/10.22059/jrd.2020.76744 [In Persian]

Safari Sufiani, M. S. (2024). Futures studies of border developments and Iran's challenges in achieving sustainable border security. *Journal of History, Politics, and Media*, 7 (1), 131-158. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2185707 [In Persian]

Saghafi, M. (2017). The effect of border markets on economic development in South Khorasan Province. *Journal of Border Studies*, 5 (1), 2–13. http://bss.jrl.police.ir/article_17547.html [In Persian]

Sagheb, H., Ranjbar, O., & Tari, F. (2023). Iran's export opportunities in the Iraqi market: Integration of decision support model and approaches of product space and economic complexity. *Journal of Industrial Economics Researches*, 7 (23), 87-106. https://doi.org/10.30473/jier.2023.68276.1396 [In Persian]

Sajadian, N., & Ekrami, N. (2018). Assessing the degree of development in the country's border provinces using development indicators through numerical taxonomy and TOPSIS models. *Journal of Regional Studies*, 11 (41), 47–70. https://sid.ir/paper/130477/fa [In Persian]

Sant'Anna, A., & Jelihovschi, P. H. (2021). Space, entrepreneurial ecosystems dynamics, and interspecific ecological interactions. *Advance: A SAGE Preprints Community*, 1-34. https://doi.org/10.31124/advance.13653161.v1

Sant'Anna, A., & Jelihovschi, P. H. (2021). Space, Entrepreneurial Ecosystems Dynamics, and Interspecific Ecological Interactions. *Advance: a Sage preprints community*,1-34. DOI: 10.31124/advance.13653161.v1

Seddigh, M., Seddigh, M., & Akbari, M. (2016). Investigating the factors affecting security in border cities of West Azerbaijan Province. *Journal of Border Science and Technology*, 5 (17), 1-22. http://bst.jrl.police.ir/article_18474.html [In Persian]

Shahraki, D., Karimian Bostani, M., & Miri, S. G. (2023). Evaluating the position of the border in the economic sustainability of border regions (Case study: Zahak, Hirmand, and Nimruz counties). *Journal of Nomadic Territory Planning Studies*, 3 (2), 77-90. https://doi.org/10.22034/jsnap.2024.437528.1088 [In Persian]

Soltanyan, S., & Mafakheri Bashmagh, J. (2020). Identifying the conditions affecting the development of the border economy (Case study: Kurdistan Province). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 8 (2), 279-310. https://doi.org/20.1001.1.23224371.1398.8.2.11.9 [In Persian]

Spigel, B. (2017). The relational organization of entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(1), 49-72. https://doi.org/10.1111/etap.12167

Stam, E. (2015). Entrepreneurial Ecosystems and Regional Policy: A Sympathetic Critique. *European Planning Studies*, 23 (9): 1759-1769. https://doi.org/10.1080/09654313.2015.1061484

Strauss, A.L., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory: Procedures and Technique*. (2nd Edition); Sage, Newbury Park, London. https://research-proposal.ir/wp-content/uploads/2019/06/Basics_of_Qualitative_Research__Techniques_and_Procedures_for_Developing_Grounded_Theory.pdf

Sautet, F. (2013). Local and Systemic Entrepreneurship: Solving the Puzzle of Entrepreneurship and Economic Development. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 37 (2), 387-402. https://ideas.repec.org/a/sae/entthe/v37y2013i2p387-402.html#download:~:text=10%2E1111%2Fj%2E1540%2D6520%2E2011%2E00469%2Ex

Suresh, J., & Ramraj, R. (2012). Entrepreneurial ecosystem: case study on the influence of environmental factors on entrepreneurial success, *European Journal of Business and Management*, 4 (16), 95-101. https://www.semanticscholar.org/paper/Entrepreneurial-Ecosystem%3A-Case-Study-on-the-of-on-Suresh-Ramraj/fc51b89fc9731ca223b17087a7d551b1c614f079

Theodotou, M. (2013). *Cyprus entrepreneurship ecosystem: A roadmap for economic growth*. https://a.co/d/0iBAq0JS

Yahya Al-Abri, M., Abdul Rahim, A., & Hussain, N. H. (2018). Entrepreneurial ecosystem: An exploration of the entrepreneurship model for SMEs in the Sultanate of Oman. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. https://doi.org/10.2478/mjss-2018-0175

Yuan, X., Hao, H., Guan, C., & Pentland, A. (2021). *What are the key components of an entrepreneurial ecosystem in a developing economy? A longitudinal empirical study on technology business incubators in China*. arXiv Preprint. https://doi.org/10.48550/arXiv.2103.08131

Zali, N., Heydari, S., & Abizade, S. (2021). Investigating the interrelationship between security and development in Iran's border regions (Case study: counties of Sistan and Balouchestan Province). *Human Geography Research*, 53 (3), 1143-1163. https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.307177.1008156 [In Persian]

Zamani, M., Mohammadi Khiarah, M., & Mazhari, R. (2021). The interactive effects of economic freedom and entrepreneurship on economic growth in selected countries. *Regional Economics and Development*, 28 (1), 139-174. https://doi.org/10.22067/erd.2021.18827.0 [In Persian]

Zarenejad, M., & Zaroki, S. (2023). Estimating the employees of the provinces and analyzing the effect of ease of doing business on it by emphasizing the characteristics of the provinces. *Journal of Executive Management*, 14 (28), 433-458. https://doi.org/10.22080/jem.2023.20288.3410 [In Persian]

Zarinjooee, M., Nemati, M., & Reshadatjoo, H. (2020). The role of university and industry in the ecosystem of innovation in line with realization of sustainable innovation. *Journal of Innovation and Value Creation*, 9 (17), 199-210. http://journalie.ir/ar/Article/9840/FullText [In Persian]